

# بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



آگوست 2016 - مرداد 1395

شماره 59

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

<http://nahadha.blogspot.com/>

[boltanxaberi@gmail.com](mailto:boltanxaberi@gmail.com)



**به کمپین و کارزار آزادی**

**کارگران زندانی،**

**زندانیان سیاسی و**

**لغو احکام صادره بپیوندیم!**



**کمپینها و آکسیونهای اعتراضی علیه**

**حضور مزدوران جمهوری اسلامی در**

**سازمان جهانی کار**

## ژنو - سازمان جهانی کار

صد و پنجمین نشست سالانه سازمان جهانی کار در اوائل ماه ژوئن در شهر ژنو برگزار می‌گردد. در این نشست، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را بنام نمایندگان کارگران ایران شرکت داده‌اند. برهر ایرانی آزاده‌ای کاملاً روشن است که آن جماعت خود فروخته عازم ژنوه تنها از سوی کارگران ایران نمایندگی ندارند، بلکه طیفی از دست نشانندگان رژیم ضد کارگری اسلامی می‌باشند که کرسی فعالین کارگری ایران را در آن نشست غصب کرده‌اند.

هم اکنون نمایندگان واقعی و فعالین مبارز جنبش کارگری ایران یا در زندان هستند و یا تحت پیگرد و آزار قرار دارند. در کشوری که از منظر قدرتمندان متحجر حکومتی، کوشش برای ایجاد تشکلات مستقل کارگری جرم و گناه کبیره محسوب می‌شود، چه کس می‌تواند باور داشته باشد که مشتی ارادل، نماینده واقعی کارگران ایران هستند. تنها عناصری که دل به مشاطه‌گری با سرمایه داران بسته‌اند، می‌توانند فرستادگان رژیم دیکتاتوری و عقب‌گرای جمهوری اسلامی را به عنوان نمایندگان کارگران ایران پذیرا باشند. اقدام آن دسته از نمایندگان و مسئولین سازمان جهانی کار که مزدوران حکومتی جمهوری اسلامی را به عنوان نماینده واقعی کارگران ایران پذیرا شده‌اند نه تنها مورد اعتراض کارگران و تمامی آزادیخواهان ایرانی است، بلکه کاملاً محکوم می‌باشد و ضد کارگری تلقی می‌شود.

کارگران ایران از کلیه حقوق ابتدائی صنفی محرومند و تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی قرار دارند. کارگری که با خانواده اش مجبور به گذران زندگی با دستمزدی برابر 812 هزار تومان در ماه که مصوبه کارفرمایان، دولت مدافع سرمایه داران و باصطلاح کارگران دست‌نشانده آن دوبخش از سرمایه داری ایران شده است و با پوست و گوشت خود لمس می‌کند که چگونه حقوق او پایمال می‌شود و پاسخ اعتراض اش ضرب و شتم حکومتی، اخراج و زندان است، نمی‌تواند به دولت اعتماد داشته باشد تا مزدوران چنین حکومتی را به عنوان نماینده خود پذیرا شود. اگر در زمان دولت احمدی نژاد هنوز امیدی در دل این یا آن کارگر با انتظاریه سپری شدن دوران تحریم‌ها وجود داشت و کسانی نیز با باور به بیرون آمدن قریب الوقوع آن امام غایب از درون چاه چمکران، منتظر روزهای خوش بودند، امروزه پس از رسوائی آن قولهای کاذب و آزمایش تلخ از امید بی‌پایه‌ی اولیه به گفته‌های روحانی دریافته‌اند که برای احقاق حقوق خود، چاره‌ای جز مبارزه ندارند و از همین روست که از یکسال و نیم پیش شاهد رشد و گسترش مبارزات و اعتراضات کارگری هستیم. رشد و گسترش این مبارزات و اعتراضات تا بدان حد است که وحشت مقامات امنیتی را سبب شده است. محمود علوی وزیر اطلاعات در سال پیش اعتراف کرد که: «طبق اطلاعات در دو ماه اول سال، تجمعات صنفی 55 درصد افزایش داشته است. بنابراین امکان تبدیل این تجمعات به اعتراضات سیاسی و چالش‌های امنیتی وجود دارد»، و از همین روست که رژیم اسلامی سازماندهی گارد ضربتی ضد اعتراضات کارگری را آغاز کرد. ولی با وجود تمامی ترفندها و فشارهای حکومتی، اعتراضات کارگری کماکان در حال فزونی هستند، بطوری که تنها برای نیمه اول ماه مه امسال حدود پنجاه اعتراض و مبارزه کارگری گزارش شده است، یعنی با محاسبه روزهای کاری، تقریباً روزی پنج اعتراض.

پراکندگی و عدم وجود تشکلات مستقل کارگری وضعی است که برجانبش کارگری ما سنگینی میکند و مانعی در برقراری توازن قوا و تحمیل خواستهای کارگری از جمله مزد عادلانه شده است. باید متفقاً بر این پاشنه آشیل جنبش کارگری فایق آمد. مسلم است که با رعمده رهگشائی این وظیفه‌ی مرکزی بر شانه‌ی فعالین کارگری دورن کشور سنگینی میکند، اما نباید گام برداری ضروری فعالین کارگری خارج از کشور را در یاری به انجام این وظیفه‌ی مرکزی به فراموشی سپرد و از انجام آن طفره رفت، چنین پندار و عملی نا بخشودنی است و نشان از فرقه‌گرایی و بی‌توجهی به اهداف جنبش کارگری دارد و در اوضاع کنونی، معیاری برای سنجش سره از ناسره است.

ما، نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، با شرکت در آکسیون 6 ژوئن در ژنو افشای سیاست ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را همچنان پی می‌گیریم و خواهان اخراج مزدوران جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار می‌باشیم. از تمامی آزادیخواهان دعوت داریم که با شرکت در این آکسیون، مشت‌های گره کرده خود را به مزدوران جمهوری اسلامی نشان دهند و تنفر خود را از جای دادن این دست نشانگان حکومتی بر صندلی‌های فعالین واقعی کارگری ایران اعلام دارند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

برقرار باد سوسیالیسم

## فراخوان مشترک

اتحاد عمل تشکلهای چپ در آمریکای شمالی  
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

## به کمپین های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در اجلاس سالیانه "سازمان جهانی کار" در ژنو، بپیوندید!

هیئتی از طرف رژیم اسلامی سرمایه راهی ژنو هستند تا در اجلاس سازمان جهانی کار، در حالی شرکت نمایند که حق تشکل مستقل، حق اعتصاب، حق برخوردی از حقوق پایه ای انسانی برای کارگران و زحمتکشان در ایران موجود نیست. کماکان فعالین واقعی کارگران یا در زندان هستند، و یا تحت فشار، پیگرد و دستگیری قرار دارند.

در روند انطباق با سیاست جهانی سرمایه داری، ادغام سرمایه ایران در سرمایه بین المللی و به تبع آن عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی پیش شرطهایی از جمله رعایت اصول مربوط به روابط سه جانبه گرایی کارفرما، دولت و کارگر در ایران و تایید و برسمیت شناختن اش توسط سازمان جهانی کار (آی ال او - ILO) را به همراه داشته است. این روند چند سالی است که شروع شده و موفقیتهایی برای جمهوری اسلامی به همراه داشته است. درها برای ورود سرمایه داران غربی برای خرید ارزان نیروی کار در ایران مدتی است که باز تر شده است.

در ایران مبارزه برای کسب ابتدایی ترین مطالبات و حقوق کارگران، جرم محسوب می شود. نه حق اعتصاب کارگری وجود دارد و نه حق تشکل مستقل کارگری. اخراج و زندان نصیب نمایندگان واقعی کارگران است و در مقابل، نهادها و هیئت های ساخته و پرداخته حکومتی را به عنوان نماینده کارگران معرفی می نمایند. در واقع، "سه جانبه گرایی" در حکومت جمهوری اسلامی چیزی جز نشستن نمایندگان نظام سرمایه داری در سه طرف میز نیست.

نظام جهانی سرمایه داری، تهاجم لجام گسیخته ای را در عرصه استثمار نیروی کار و غارت و چپاولگری در سراسر دنیا آغاز کرده است. این حرکت با بیکار سازی های وسیع کارگران، گسترش فقر، تقلیل سطح معیشت توده های زحمتکش، حذف امکانات رفاهی، فراگیر شدن فلاکت و فحشا و دیگر مصائب اجتماعی همراه است. فشارهای کمرشکن روند رو به رشد خصوصی سازیهای، مقاومت، اعتراضات و شورشهایی را از طرف توده های مردم در سراسر دنیا در حرکت سراسری ضد سرمایه داری به صحنه آورده است. سرمایه داری می خواهد به طبقه کارگر بقبولاند که با این طبقه "منافع مشترک" دارد و به نفع هر دو طرف است که با صلح و آرامش سر یک میز بنشینند و با هم کنار بیایند. سرمایه داری می خواهد به طبقه کارگر ثابت کند که بهترین راه حل، قبول قوانین مسالمت آمیزی است که استثمارگران برای "سازش کار و سرمایه" تعیین کرده اند و در مقابل طرحهای خانمان برانداز "جهانی سازی"، "آزاد سازی" و "خصوصی سازی" باید تاب تحمل را بیآورند. متاسفانه در فقدان یک قطب

قدرتمند و متشکل کارگری در شرایط کنونی، امکان و فرصت بیشتری برای طرح و تبلیغ اینگونه سیاستها در جنبش کارگری ایران فراهم است.

هیئتی که بنام کارگران ایران در نشست سالیانه سازمان جهانی کار شرکت داده شده اند، کارگران ایران را نمایندگی نمی کنند و مزدوارن رژیم اسلامی به نام نماینده کارگران در این اجلاس می باشند. هم اکنون نمایندگان واقعی کارگران که برای مطالبات و خواسته های کارگری، مبارزه، دفاع و اعتصاب میکنند، دستگیر شده، در زندان بسر میبرند و یا احکام سنگینی از بیدادگاه های رژیم برای فعالین واقعی کارگران صادر شده است. پذیرش نمایندگان رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی از جانب سازمان جهانی کار به عنوان نمایندگان کارگران ایران، اقدامی ضد کارگری، در تقویت رژیم جمهوری اسلامی است و از نظر فعالین کارگری ایران محکوم است. در سطح جهانی و بین المللی هم بر بخش وسیعی از تشکلهای کارگری اتحادیه ای و سندیکایی، سیاستهای انفعالی و سازشکارانه بر آنها قالب است.

کارگران فقط با اتکاء به نیروی خود و ایجاد تشکلهای مستقل از دولت و سرمایه دار خواهند توانست از فشار و تهدید و سرکوب دولتی ممانعت بعمل آورده و همچنین در زمینه استقلال تشکلهایشان هیچ تخفیفی به سرمایه داران و دولت ندهند. تحقق ابتدایی ترین خواسته های کارگران در گرو چنین مبارزه و چنین تشکل هایی است. این در تاریخ مبارزات کارگری ثبت شده است که بدون اعتصابات، اعتراضات و مبارزات پیگیر و مستقل کارگران، نمیتوان در مقابل هیچ کارفرما و دولتی ایستاد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و اتحاد عمل تشکلهای چپ در آمریکای شمالی، همگان را برای گردهمایی اعتراضی و افشاگرانه در ژنو فرا میخوانند و نیز از همه دوستداران و طرفداران جنبش کارگری تقاضا میکنند، که در محل کار و زیست خود با برگزاری تجمعات اعتراضی، میزهای اطلاعاتی، تماس با تشکلهای کارگری و مترقی به افشای سیاستهای ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و تمامی نیروهای امپریالیستی پردازند و خواهان حق تشکل مستقل و آزادی تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شوند.

## سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

### زنده باد سوسیالیسم

۲۰۱۶ مه

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

اتحاد عمل تشکلهای چپ در آمریکای شمالی

[iranianleftinnorthamerica@gmail.com](mailto:iranianleftinnorthamerica@gmail.com)

## فراخوان مشترک

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران  
نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

### در تظاهرات ۶ ژوئن در حمایت از جنبش کارگری ایران و علیه حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه 'سازمان جهانی کار' در ژنو شرکت کنیم!

صد و پنجمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار از ۳۰ مه تا ۱۰ ژوئن ۲۰۱۶ در شهر ژنو سوئیس برگزار خواهد شد.

طبق روال سالهای گذشته، از ایران نیز علاوه بر نمایندگان دولت جمهوری اسلامی و نمایندگان کارفرمایان، از تشکل های وابسته به حکومت یعنی "کانون عالی شوراهای اسلامی کار"، "کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران"، و "مجمع عالی نمایندگان کارگران" یعنی خود برگزیدگان رژیم و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی، بشکل دست چین شده توسط وزارت کار جمهوری اسلامی تحت عنوان "نمایندگان کارگران ایران" در صحن این اجلاس حضور می یابند.

در اساس اینها کارگزاران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که وظیفه سرکوب حرکات مستقل کارگری در ایران را به عهده دارند می باشند که به نام نمایندگان کارگران ایران راهی اجلاس ژنو می شوند. علیرغم این که مسئولین سازمان بین المللی کار به پاس اعتراضات مکرر و تلاش های فعالین راستین کارگری در ایران و مدافعان جنبش کارگری در خارج از کشور از این امر اطلاع دارند که افراد اعزامی از سوی حکومت ایران، نماینده جنبش مستقل کارگران ایران نیستند، اما همچنان به آنها اجازه می دهد که در اجلاس به نام و به نمایندگی از کارگران ایران شرکت داشته باشند!؟

نمایندگان و فعالین واقعی کارگری در ایران تحت سرکوب شدید و کنترل امنیتی قرار دارند و بسیاری از آنان یا در زندان بسر می برند و یا حکم حبس تعلیقی برایشان صادر شده و از کار اخراج گشته و خود و خانواده اشان تحت انواع و اقسام فشارهای امنیتی قرار دارند و یا به به ناگزیر به تبعید کشانده شده اند.

شرایط زندگی و کار کارگران ایران اسف بار است. فشار بر تشکل های کارگری مستقل و کارگران و معلمین و سایر مزدگیران بیش از پیش افزایش پیدا کرده است. بازداشت و دستگیری کارگران، اذیت و آزار زندانیان کارگر، عدم دسترسی به درمان برای زندانیان و از جمله کارگران زندانی، سرکوب خشن اعتراضات و اعتصابات، اخراج، تبعیض، عدم پرداخت دستمزد و صدور احکام تنبیهی و زندان برای کارگران اعتصابی هم چنان ادامه دارد و ابعاد گسترده تری به خود گرفته است. مراسمهای غیر دولتی اول ما مه هر ساله با قدرت تمام سرکوب می شوند. حقوق های معوقه همچنان مساله کارگرانی

است که با دستمزدی بسیار پایینتر از خط فقر مشغول به کارند و همان حقوق اندک را هم با تاخیرهای چند ماهه دریافت می‌کنند. تبعیض علیه زنان و کارگران مهاجر به خصوص کارگران افغان بطور گسترده ادامه دارد و وضعیت کودکان کار همچنان اسف بار است؛ تبعیض و فشار علیه معتقدان به سایر مذاهب ادامه دارد.

در چنین شرایطی که کارگران در ایران با بی حقوقی مطلق رو به رویند و رژیم جمهوری اسلامی فضای سرکوب و ارباب را بر طبقه کارگر و بر کل جامعه تحمیل کرده است، و با توجه به ممنوعیت تشکل یابی و اعتصاب، رژیم همچنان سعی میکند تا با کمک و حمایت عملی سازمان جهانی کار و دولت ها و نهادهای سرمایه داری جهانی، عوامل خود را هر ساله به عنوان نمایندگان کارگران ایران به اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار اعزام نماید.

ما ضمن اعتراض به سازمان جهانی کار بدلیل تداوم چنین سیاستی که عملاً به معنای همکاری با رژیم در زیر پا گذاشتن حق ایجاد تشکلات مستقل کارگری در ایران است، و نیز در اعتراض به حضور کارگزاران رژیم ایران تحت پوشش نماینده کارگران در اجلاس و هم چنین در اعتراض به سرکوب تشکلات و فعالین کارگری و ممانعت از ایجاد و گسترش تشکل های مستقل کارگری اقدام به اعتراض از جمله از طریق برگزاری آکسیون در مقر سازمان جهانی کار در ژنو خواهیم کرد. ما از همه مدافعین کارگران، سازمانها، احزاب و نیروهای آزادی خواه و سوسیالیست دعوت می کنیم در تظاهرات روز دوشنبه ۶ ژوئن ۲۰۱۶ از ساعت ۱۱ صبح تا ۳ بعدازظهر در میدان ملل مقابل مقر اروپائی سازمان ملل در شهر ژنو شرکت کنند، و نسبت به زیر پا گذاشته شدن حقوق کارگران ایران توسط رژیم اسلامی ایران و حضور نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار صدای خود را بلند کنند.

## سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

### زنده باد سوسیالیسم

۲۰ مه ۲۰۱۶

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

[info@workers-iran.org](mailto:info@workers-iran.org)



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران

## گزارش مختصر از آکسیون اعتراضی 6 ژوئن در ژنو

یکصد و پنجمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در شهر ژنو از تاریخ دوشنبه 10 خرداد آغاز گردید و تا جمعه 21 خرداد ادامه یافت. رژیم جمهوری اسلامی ایران همچون سال‌های گذشته این بار نیز چندین نفر از مزدوران خود را به عنوان هیئت نمایندگان کارگران ایران به این نشست اعزام کرده بود. از جمله اعضای این هیئت عبارت بودند از غلامرضا عباسی، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران، اولیا علی بیگی، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی و سید محمد یار احمدیان از سوی "مجمع نمایندگان کارگران". هیچ یک از افراد این هیئت که عنوان نمایندگی کارگران را یک می کشیدند، از سوی کارگران ایران انتخاب نشده بودند، و رسواتر اینکه این به اصطلاح نمایندگان کارگران، حتی منتخب اعضای آن سه تشکل دولتی نیز نبودند، و سر راست توسط مقامات امنیتی رژیم برای این مأموریت دست چین شده بودند. فرامرز توفیقی عضو یکی از این سه تشکل دولتی یعنی مجمع نمایندگان کارگران ماهیت و کارکرد این تشکل‌های دست ساز و دولتی و "دست آورد" احتمالی این هیئت اعزامی را حتی پیش از آنکه به ژنو گسیل شود، به خوبی اشکار می‌سازد؛ او می‌گوید: «می‌توان بر اساس روال هر ساله حدس زد که این نشست دستاوردی برای کارگران ایران نخواهد داشت» و اقرار می‌کند که: «وقتی در انتخاب اعضای تشکلهای کارگری در سطح واحدهای تولیدی، استانی و کشوری آزاد نیستیم و نهادهای دیگری از بیرون برای کارگران تصمیم‌گیری میکنند، هر کس دیگری نیز به جز اعضای کنونی به ژنو سفر کنند، دستاوردشان هیچ خواهد بود» و می‌افزاید: «هر کس در این تشکلهای عضو شود زیر سایه و نظارت وزارت کار و دیگر نهادها بالا می‌آید و همواره وابسته خواهد ماند. اگر اعتراضی هم بکند، بلافاصله به حاشیه رانده میشود» (وبلاگ تأمین - رسانه قلمرو رفاه و بیمه‌های اجتماعی - 20 خرداد 1395). آری دولتی بودن هیئت اعزامی جمهوری اسلامی به اجلاس سازمان جهانی کار، چنان اشکار است که حتی عضو و اعضای از این تشکلات با اصطلاح کارگری وابسته به رژیم نیز مجبور به اقرار شده‌اند.

در حالی دست نشانندگان دولتی به نشست ژنوا عزام می شوند، که کارگران ایران علاوه بر تحمل فقر و گرسنگی ناشی از دستمزد های تا یک چهارم زیر خط فقر، در زیر شدیدترین سرکوب امنیتی، تعقیب، زندان و شلاق بسر می برند، از انتخاب نمایندگان واقعی خود و ایجاد تشکل مستقل کارگری محروم هستند و فعالین کارگری تحت پیگرد قرار دارند و با اتهامات گوناگون به زندان محکوم میشوند.

نهادهای همبستگی و اتحاد بین المللی، در اعتراض به این انتصاب شدگان دولتی که تحت عنوان دروغین نمایندگان کارگری هر ساله در اجلاس سازمان جهانی کار شرکت می کنند، و با هدف افشای سیاست های ضد کارگری و جنایات رژیم جمهوری اسلامی و همکاری سازمان جهانی کار با آن، برگزاری و شرکت در آکسیون ژنو را مشترکاً در دستور کار قرار دادند و در پی اعلام رسمی روز و ساعت این آکسیون از سوی سه تشکل ایرانی ساکن سوئیس، در یک اطلاعیه مشترک، به دعوت سراسری اقدام کردند.

در آکسیون ششم ژوئن در ژنو، علاوه بر دوتشکل نامبرده، برخی دیگر از تشکلهای سیاسی، مدنی و پناهندگان ایرانی نیز در این آکسیون اعتراضی شرکت فعال داشتند. در مجموع تعداد شرکت کنندگان در آکسیون به دویست نفر می رسید. از سوی هردوتشکل، بولتن ها و اعلامیه های جداگانه به زبانهای انگلیسی، فرانسوی و فارسی توزیع گردید: صدها نسخه از بولتن چندین صفحه ای اتحاد بین المللی به زبان انگلیسی و فرانسوی که بطور فشرده وضعیت و مبارزه کارگران ایران، بگیر و ببند فعالین کارگری و معلمان، سرکوب تشکل های مستقل کارگری توسط رژیم اسلامی و نقض صریح و فاحش حقوق پایه ای کارگران از سوی رژیم را تشریح می کرد، در بین اعضای هیئت های نمایندگی کشورهای مختلف پخش شد. همچنین صدها نسخه از بولتن دوازده صفحه ای انگلیسی نهادهای همبستگی که حاوی چکیده ای از مبارزات یکساله کارگران ایران، نامه های فعالین کارگری از جمله بهنام ابراهیم زاده و جعفر عظیم زاده و محمود صالحی به سازمان جهانی کار، تشکلات کارگری در ایران، اوضاع جنبش کارگری ایران، دستگیری و تعقیب فعالین کارگری بود بین شرکت کنندگان غیر ایرانی پخش گردید.

دو نفر از فعالین اتحاد بین المللی هنگام پخش بولتن در فاصله دو اجلاس، جلوی درب ورودی سالن کنفرانس با اعضای هیئت قلبی کارگری از ایران به سرپرستی غلامرضا عباسی روبرو شدند و همانجا رو در رو به حضور آنان در کنفرانس اعتراض کردند. آنها با طرح شلاق زدن کارگران معترض در ایران و زندانی کردن فعالین کارگری و اشاره به اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده، انزجار خود را از این اعمال وحشیانه و حکومت ضدکارگر جمهوری اسلامی بیان داشتند.

تعدادی از نمایندگان، بویژه از آفریقا با حضور در محل آکسیون و مشاهده عکسها و پلاکاردهای مربوط به اوضاع کاری و اعتراضات کارگران در ایران، توجه خاصی به موضوع نشان دادند. خانم کاتارینا پرلایت، رئیس سندیکای سوئیس ssp که در تظاهرات شرکت کرده بود با سخنرانی به دو زبان آلمانی و فرانسوی حمایت خود را از مبارزات کارگران در ایران و تظاهرکنندگان اعلام داشت.

به نمایندگی از تظاهرات کنندگان، یک هیئت چند نفره، به دفتر سازمان جهانی کار رفتند و پوشه ای شامل ترجمه نامه های سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای



نیشکر هفت تپه، 4 نهاد کارگری و نامه های بهنام ابراهیم زاده، محمود صالحی و جعفر عظیم زاده را که همگی خطاب به اجلاس سازمانی جهانی نوشته شده بودند را در اختیار خانم کورین کورتیس، مسئول امور سندیکائی این سازمان قرار دادند. همچنین نامه اعتراضی ای که از سوی کمیته برگزار کننده تظاهرات-سوئیس خطاب به دبیر کل سازمان جهانی کار نوشته شده بود، به خانم کورتیس داده شد. در این نامه ضمن افشای نقض فاحش حقوق پایه ای کارگران در ایران از جمله نقض کنوانسیون های سازمان جهانی کار توسط رژیم اسلامی، بطور مشخص مامشات این سازمان با رژیم مورد اعتراض قرار گرفته و در خواست شده بود که هیئت به اصطلاح کارگری رژیم از این سازمان اخراج شود.

تظاهرات در محیطی صمیمی آغاز شد و ادامه یافت. تعدادی از شرکت کنندگان در سخنرانی و پیام های خود به توضیح زندگی و مبارزات کارگران در ایران و افشای جنایات ضدکارگری جمهوری اسلامی پرداختند. از جمله سخنرانان، مسئول سابق بخش آموزشی اتحادیه آزاد کارگران ایران بود که به تازگی مجبور به ترک کشور شده است. فعطنامه پایانی تظاهرات که در آن ماهیت و سیاست های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و هیئت نمایندگی این رژیم در سازمان جهانی کار افشا و محکوم شده بود و شامل خواستهای اجتماعی و مدنی بود، توسط یکی از اعضای کمیته برگزار کننده تظاهرات خوانده شد. تظاهرات با آواز خوانی به زبان کردی پایان یافت.

تظاهرات 6 ژوئن در مجموع اقدامی به جا و موفق آمیز بود: تعداد شرکت کنندگان بیش از سالیان پیش بود، تظاهرات در محیطی گرم و صمیمانه برگزار شد، نهاد ها و سازمان های شرکت کننده از حقوق یکسان برخوردار بودند، تقریباً همه چیز به خوبی تدارک دیده شده بود و نظم بر کار ها حاکم بود. امید که هر گونه کمبود و نارسایی در حرکت های مشابه در آینده مرتفع گردد. وظیفه خود می دانیم که از تمامی شرکت کنندگان، رفقایی که از صبح زود در این اکسیون اعتراضی فعالانه شرکت داشتند و کمیته برگزار کننده این تظاهرات قدر دانی کنیم.

## سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

### زنده باد سوسیالیسم

10 ژوئن 2016

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



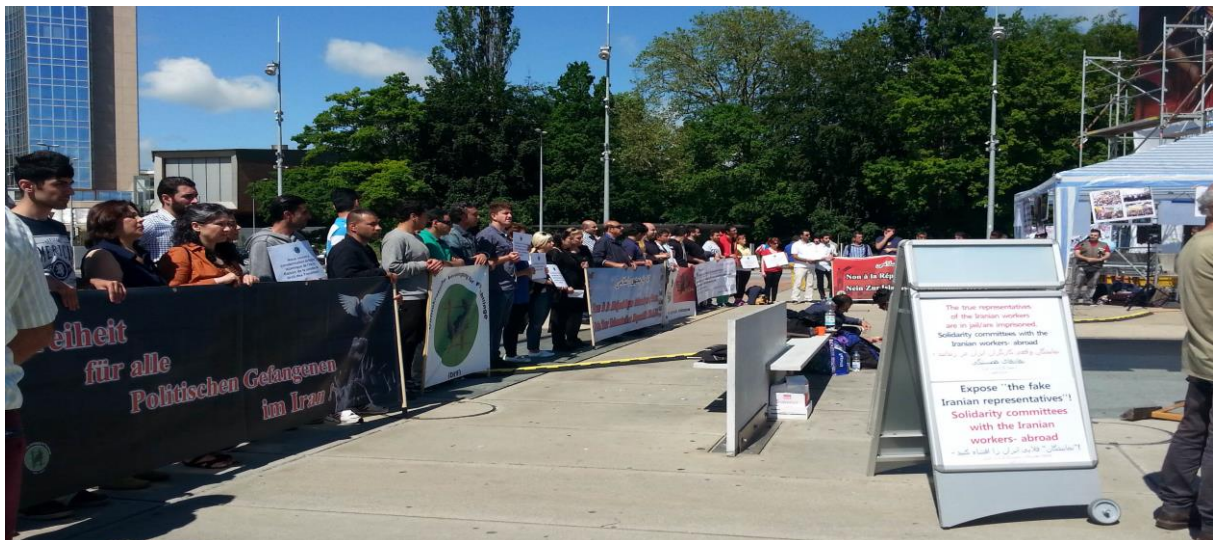
## گزارش کارزار مشترک نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و اتحاد عمل تشکلهای چپ در آمریکای شمالی

- ۱ - اطلاعیه مشترک بزبان فارسی
- ۲ - اطلاعیه مشترک بزبان انگلیسی
- ۳ - فراخوان کارزار در شهر ونکوور
- ۴ - فیلم کارزار رفقای ونکوور

<https://www.youtube.com/watch?v=gBWUcKvNezwPL6OFd5isZOquOdG5qOY8BjbgqsrwAQCyLy>

۵- آکسیون اعتراضی در شهر مونترال در تاریخ ۱۴ ژوئن بین ساعات ۱۳ تا ۱۴ آکسیون اعتراضی در راستای فراخوان نهادهای همبستگی، توسط اتحاد عمل تشکلهای چپ در آمریکای شمالی برگزار شد که رفقا و دوستان مبارز طرفدار حقوق کارگر با در دست گرفتن پلاکاردهایی در رابطه با دستمزد کارگران در ایران، شلاق زدن کارگران و محکومیت رژیم جمهوری اسلامی و حضور نمایندگان رژیم ایران در سازمان جهانی کار نگاشته شده بود، تظاهر کنندگان اعتراض خود را نسبت به سرکوبیهای رژیم جمهوری اسلامی ابراز داشتند. رفقای برگزار کننده به پخش اطلاعیه بزبان انگلیسی در محل یادبود نورمن بتیون در نزدیکی دانشگاه کنکور دیا در میان عابریین پرداخته و هدف از آکسیون را به جويا شونندگان و مردم توضیح میدادند. این برنامه راس ساعت مقرر شروع و با موفقیت به پایان رسید.

۶- ارسال اطلاعیه و پیام اعتراضی به دفتر سازمان جهانی کار در واشنگتن دی سی رفقای واشنگتن با ارسال اطلاعیه مشترک ترجمه شده و نوشته های دیگری که از رفقای نهادهای همبستگی با جنبش کارگری به زبان انگلیسی نزدشان موجود بود به دفتر مرکزی ای ال او مراتب اعتراض خود را از حضور نمایندگان رژیم ابراز کردند. نماینده دفتر سازمان جهانی کار در واشنگتن با رفقا تماس حاصل کرده و بلافاصله نامه مذکور را به مقر ژنو ای ال او ارسال کردند و نماینده دفتر در واشنگتن از رفقا خواستند که شما میتوانید در صورت هر گونه مسائل و معضلات کارگری در ایران با ما تماس گرفته و ما را در جریان امور قرار دهید.



## زندگی و مبارزه کارگران ایران در سال گذشته

کارگران ایران در سال‌هایی که گذشت (اول ماه مه 2015 تا اول مه 2016) زندگی اسفناکی را در شرایط خفقان رژیم جمهوری اسلامی گذرانند. فقر و تنگدستی، دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، اخراج و بیکاری، دستمزدهای عقب افتاده، ضرب و شتم پلیسی، دستگیری و زندان و حتی قتل فعالین کارگری، پاسخ رژیم اسلامی به خواسته‌های ابتدائی و انسانی کارگران ایران بود، کارگرانی که خواهان دستمزدهای متناسب با یک زندگی انسانی، پرداخت بدهی‌های سرمایه داران و دولت به کارگران، تشکل مستقل کارگری، بیمه و بازنشستگی، حق تشکل مستقل و... بود.

حداقل دستمزد ماهیانه کارگری بر مبنای کمیسیون دولتی شامل نمایندگان دولت، کارفرما و نمایندگان کارگری منتخب دولت و در واقع از سوی سه مقام ضد کارگری به مبلغ 812 هزار تومان (حدود 213 یورو) معین گردید. این در حالی است که حتی بر مبنای بررسی‌های دولتی، خط فقر برای یک خانواده سه نفره مبلغ 35 میلیون تومان (920 یورو) تشخیص داده شده است. یک خانواده کارگری بایستی یک ماه را با مبلغ یک چهارم زیر خط فقر رسمی سپری کند. حال اگر بهای مایحتاج زندگی را در ایران را با برخی از کشورهای اروپائی از جمله آلمان مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که مخارج زندگی در ایران تقریباً هم سطح آلمان است. به چند نمونه از قیمت‌ها در ایران توجه کنیم: مرغ 1800 گرمی 16300 تومان (43 یورو)، تخم مرغ 6 عددی 3200 (090 یورو)، برنج ده کیلویی متوسط 108000 (25 یورو)، پنیر پانصد گرمی 14700 (36 یورو) و... (آمار برگرفته از وبلاگ اتحاد آزاد کارگران ایران - 15 مه 2016). بهای تقریباً تمامی اجناس الکترونیکی و الکترونیکی و بسیاری دیگر به علت وابستگی اقتصادی به خارج، فزون تر از کشورهای اروپای غربی است.

در چنین اوضاعی که دستمزد کارگران ایران یک چهارم زیر خط فقر تصویب شده است و این دستمزد تقریباً برابر یک دهم دستمزد یک کارگر اروپای غربی است و سطح مخارج زندگی تقریباً مشابه این کشورهای اروپائی است، چه امکانی جز ادامه مبارزه صنفی برای کارگر ایرانی باقی می‌ماند؟

یکی از ترفند های سرمایه داران که از حمایت دولت برخوردارند، عدم پرداخت مرتب دستمزدهای کارگران میباشد، بطوری که در اکثر کارخانجات و کارگاهها به صورت یک شیوه متداول درآمده است. چند نمونه: کاشی نیلو 8 ماه، کارگران شهرداری مشکین شهر یک سال، شهرداری خرمشهر 6 ماه، پارسیلون 5 ماه، کارخانه صندوق نسوز یک سال، معدن زغال سنگ آق دربند 10 ماه، پالایشگاه ستاره خلیج 4 ماه، شیشه آبگینه 5 ماه، کاشی جم 8 ماه، کارگران شهرداری کرمان 7 ماه و... در چنین اوضاعی برای کارگران بمنظور دریافت د

ستمزدهای عقب افتاده چه راهی به جز تجمع، تحسن، اعتصاب و راه پیمائی و اشکال دیگر مبارزه باقی می ماند؟! شکایات به وزارت کار و دولت و مقامات قضائی هیچ گونه موفقیتی تا حال نداشته اند (منبع آمار: وبلاگ اتحاد آزاد کارگران).

سرمایه داران ایرانی تلاش دارند حتی از لحاظ بیمه اجتماعی و حقوق بازنشستگی نیز کارگران را تحت فشار قرار داده و از طریق غارت حقوق کارگران در این زمینه ها نیز بر ثروت خود بیافزایند. چند نمونه از تعویق پرداخت حق بیمه: شهرداری هند یجان 6 ماه، کاشی و سرامیک حافظ 6 ماه، کارخانه کومه 4 ماه، کارخانه سدید ریخته گر 12 ماه، کارگران نیشکر هفت تپه 4 ماه، قفل کار 9 ماه، کارگران مخابرات روستائی در برخی از استانها به مدت ماهها که 7000 کارگر برای احقاق حقوق خود در تاریخ 6 اوت 2015 در برابر مجلس اسلامی تظاهرات کردند و... کارگران بازنشسته نیز بارها از دریافت حقوق بازنشستگی محروم بوده اند. چند نمونه: ذغال سنگ کرمان سه ماه، زغال سنگ البرز شرقی در شاهرود چهار ماه، فولاد مبارکه اصفهان سه ماه، صنعت فولاد سه ماه و....

در چنان اوضاع اسفناکی که زندگی کارگران را به ورطه نابودی می کشاند و کلیه دستگاههای دولتی نیز جانب سرمایه داران را گرفته اند، یگانه چاره کارگران ادامه ی مبارزه است، هر چند که کارگران میدانند که در این مبارزات بایستی خطرات بسیاری را از سوی سرمایه داران و دولت سرمایه داری بر جان بخرند. سرمایه داران و رژیم اسلامی دست در دست هم تلاش دارند به شیوه های گوناگون از مبارزه کارگران جلوگیری کنند. سرمایه داران در بسیاری موارد تعدادی از کارگران معترض را اخراج می کند و دولت اسلامی نیز حق را به سرمایه دار میدهد. چندین هزار کارگر معترض اخراج شده اند. چند نمونه: کاشی کسری 11 نفر، معدن کوشک 22 نفر، ایران بَرک 50 نفر، مس خاتون آباد 28 نفر، شهرداری بروجرد 100 نفر، معادن شرق گلستان 24 نفر و... و دولت حامی سرمایه نیز کارگران معترض را بازداشت میکند. چند نمونه: مجتمع مس خاتون آباد 28 نفر، مؤسسه میزان 13 نفر، عسلویه 10 نفر، سیمان درود 12 نفر، مس میدوک 24 نفر و... رژیم اسلامی در بسیاری موارد به منظور ایجاد وحشت و جزای حق خواهی کارگران معترض، آنانرا نیز دادگاهی میکند. چند نمونه: 8 کارگر سیمان سپاهان، 12 کارگر معدن طلای آق دره، 18 کارگر ایران بَرک، 8 کارگر لوله سازی خراسان، 30 کارگر معدن چادرملو، 9 کارگر سنگ آهن بافق و... در بسیاری موارد در پی حملات وحشیانه پلیس امنیتی به صفوف کارگران اعتراضی، تعدادی به شدت زخمی شده اند، از جمله در نوب آهن اردبیل، کشت و صنعت میان آب، سنگ آهن بافق، ایران بَرک، لوله سازی خوزستان، عسلویه، 21 نفر در خاتون آباد و... دستگیری و بازداشت فعالین کارگری در یک سال گذشته بالغ بر صدها می باشد که ذکر اسامی تمامی آنها و علت دستگیری صفحات زیادی خواهد شد. چند نمونه از فعالین سرشناس زندانی ویا محکوم به زندان: جعفر عظیم زاده دبیر هیأت مدیره اتحاد آزاد کارگران، محمد جراحی، بهنام ابرهیم زاده، داود رضوی، ابراهیم مددی، محمود صالحی،

رضاشهابی و... رژیم اسلامی حتی فعالین کارگری زندانی را به قتل می‌رساند. چند سال پیش افشین اسانلورا در زندان کشتند و در سال پیش نیز شاهرخ زمانی که دوران محکومیت خود را می‌گذرانید به دست زندانبانان امنیتی به قتل رسید. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد تعدادی از فعالین کارگری زندانی میتوان به لینک زیر از فدراسیون بین‌المللی جامعه های حقوق بشر مراجعه کرد.

<https://www.fidh.org/en/issues/human-rights-defenders/the-situation-of-workers-rights-and-the-repression-of-un>

[https://www.fidh.org/IMG/pdf/20160510\\_iran\\_labour\\_briefer\\_per.pdf](https://www.fidh.org/IMG/pdf/20160510_iran_labour_briefer_per.pdf)

کارگرانی که در زیر این همه فشار سرمایه داران و دولت حامی سرمایه قرار دارند، چاره‌ای جز مبارزه برای احقاق حقوق خود ندارند. از همین روست که با تشدید ستم و استثمار سرمایه دار و دولت، مقاومت و مبارزه کارگران نیز گسترش می‌یابد. اشکال مبارزه کارگران ایران گوناگون است که شامل اعتصاب، تحصن، تجمع در محل‌های گوناگون، نامه نگاری، مصاحبه، طومار و... می‌باشد. آنچه که در یک سال گذشته بیشتر از همه روی داد در مقام اول، تجمع در برابر ادارات دولتی و کارخانه و علیه عدم پرداخت دستمزدهای عقب افتاده بود. در مقام بعدی، اعتصابات کارگری قرار دارند که گاه چند ساعته، چند روزه و در مواردی بسیار طولانی بوده‌اند. چند نمونه: لوله نورد صفا در دوبرار 35 و 17 روزه، قطار شهری اهواز در دوبرار 22 و 32 روزه، لوله سازی خوزستان 30 روز، بَرک 45 روز، سیمان کارون 14 روز، پروژه راه آهن ورزنه 21 روز، کاشی سامان 31 روز، فولاد و چدن درود 41 روز و... اعتراضات و مبارزات کارگری در سال گذشته تنها به صورت اعتصاب، تحصن و تجمع 1211 مورد می‌باشند که اگر بر تعداد روزهای کار تقسیم کنیم حد و د روزانه پنج مورد می‌شود و در تمامی جهان بی سابقه است. مسلماً صدها مورد دیگر نیز وجود دارند که به علت پراکندگی جنبش کارگری ایران و عدم تشکل مستقل سراسری کارگری در هیچ کجا درج نشده‌اند. لازم به ذکر است که این اعتراضات گسترده تنها مربوط به کارگران است که اگر بخواهیم در مجموع زحمتکشان جامعه محاسبه کنیم می‌بایستی صدها اعتراض معلمان، پرستاران، دانشجویان، روستائیان و... را نیز به آنها افزود. گستردگی مبارزات کارگری، رژیم اسلامی را به وحشت انداخته است به طوری که محمود علوی وزیر اطلاعات در 9 خرداد (30 مه 2015) اعتراف کرد که: «طبق اطلاعات در دو ماه اول سال، تجمعات صنفی 55 درصد افزایش داشته است. بنابراین امکان تبدیل این تجمعات به اعتراضات سیاسی و چالش‌های امنیتی وجود دارد». از همین رورژیم اسلامی ایجا د یک گارد نظامی ضربتی در مقابله با کارگران را در دستور کار قرار داده است. مسلماً همانگونه که تاکنون هیچ یک از اعمال سرکوب حکومتی در جلوگیری از گسترش مبارزات کارگری کارائی نداشته‌اند، این ترفند جدید نیز به جایی نخواهد برد. به امید پشتیبانی جهانی از کارگران ایران.

## تشکل های مستقل کارگری و تشکلات مستقل فعالین کارگری در ایران

اکنون سالهاست که به جای فعالین تشکلات مستقل کارگری عناصر تشکلات وابسته به رژیم اسلامی به عنوان نمایندگان کارگران ایران در کنفرانس جهانی کار شرکت می کنند. در زیر اسامی و اطلاعاتی در باره تشکلات مستقل در ایران ارائه داده می شود

۱) سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در سال ۱۹۶۸ تأسیس شد که بعدها توسط رژیم جمهوری اسلامی منحل گشت و شورای اسلامی کار جایگزین آن گردید. سندیکا در سال ۲۰۰۵ توسط کارکنان شرکت بازسازی شد و اکنون عضو رسمی فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل می باشد. رضا شهبانی و ابراهیم مددی از منتخبین این سندیکا می باشند.

۲) سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در سال ۱۳۵۳ تأسیس شد. در آبان ماه ۱۳۸۶ بیش از ۲۰۰۰ کارگر این مجتمع صنعتی خواستار بازگشایی مجدد سندیکای خود شدند. این مسئله در شورای تأمین استان خوزستان به عنوان مسئله ای امنیتی بررسی شد و کسانی که نامه را تحت عنوان هیئت بازگشایی سندیکا امضاء کرده بودند، بازداشت شدند. با این وجود، هیئت بازگشایی این سندیکا در اردیبهشت ۱۳۸۷ به صورت علنی اعلام موجودیت نمود. در صبح ۱ آبان ۱۳۸۷ با رأی گیری عمومی کارگران و با آرای بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، علی رغم مخالفت ها و ممانعت های فراوان وزارت کار و هشدارهای وزارت اطلاعات به فعالان کارگری به طور رسمی تاسیس شد.

۳) کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری " در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر، سال ۱۳۸۴ اعلام موجودیت کرد که امضای بیش از سه هزار نفر را به دنبال داشت. این کمیته ابتدا به اسم "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" تشکیل شد و بعد "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" از آن منشعب شد.

۴) اتحادیه آزاد کارگران ایران در آذر ماه ۱۳۸۵ تحت عنوان اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بی کار تاسیس شد. این اتحادیه در ۳۰ فروردین ۱۳۸۷ با اصلاحاتی در اساسنامه اش به اتحادیه آزاد کارگران ایران تغییر نام داد. هم اکنون جعفر عظیم زاده یکی از مسئولان این اتحادیه در زندان و در اعتصاب غذا به سر می برد و جان او در خطر است.

۵) (کانون مدافعان حقوق کارگر، این تشکل دفاعی فعالیت خود را از سال ۱۳۸۵ شروع کرد و از آن زمان تا کنون هم به کارهای پژوهشی و تحقیقی در مورد مسایل کارگری پرداخته است و هم مشاوره حقوقی برای کارگران اخراجی و یا فعالان کارگر زندانی انجام داده است.

اسامی چند تشکل مستقل کارگری دیگر که به صورت غیر قانونی در ایران فعالیت می کنند، به قرار زیرند.

- ۶) کمیته ی پیگیری ایجاد تشکلات کارگری که در سال ۱۳۸۳ تاسیس شد.
  - ۷) هیات موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک، این سندیکا در دهه ۲۰ شمسی در اوایل حکومت محمدرضا پهلوی به وجود آمد. سندیکا در دهه ۶۰ توسط رژیم جمهوری اسلامی ممنوع شد ولی همچنین در عرصه دفاع از مطالبات صنفی کارگران فعال است.
  - ۸) انجمن کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
  - ۹) هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش ساختمان
  - ۱۰) شورای موقت کارگران مجتمع های پتروشیمی منطقه اقتصادی ماهشهر
  - ۱۱) اتحادیه مستقل کارگران شمال خوزستان
- علاوه بر این تشکلات چند تشکل دیگر هم به ویژه در شهرهای جنوبی ایران موجودیت دارند و مستقل از حکومت ایران هستند

## وضعیت زنان کارگر

زنان کارگر در ایران از موقعیت به مراتب بدتر و پایین تری نسبت به مردان کارگر، برخوردارند. تحت قوانین نابرابر و ضد کارگری نوشته و نانوشته سرمایه، اشتغال زنان به ویژه زنان متأهل با مشکلات و موانع عدیده ای روبرو می‌باشد. به هنگام تعدیل نیرو، اول از همه به سراغ زنان می‌روند؛ در بسیاری از کارخانه‌ها دختران کارگر در صورت ازدواج اخراج می‌شوند! (تا مبدا بار دار شده به مرخصی زایمان بروند و یا بچه‌شان مریض شود و به مرخصی نیاز پیدا کنند) و در کارخانه‌هایی هم که مهد کودک دارند، مبلغی از حقوق مادر بابت مهد کودک کسر می‌گردد. همچنین مراجعه مادر به مهد کودک جهت شیر دادن بچه، از نگاه سرمایه‌دار، یک نقطه ضعف و اتلاف وقت تلقی می‌گردد. بگذریم که این مهد کودک‌ها علیرغم مواد و تبصره‌های آیین‌نامه فوق، فاقد امکانات بهداشتی و آموزشی لازم می‌باشند.

بیشترین ضرباتی که زنان کارگر در طول دوران حکومت سیاه جمهوری اسلامی متحمل شده‌اند، علاوه بر چماق سرکوب اوباشان سرمایه‌بر سرشان، خانه‌نشینی کردن و بیکار نمودن آنها است که در طول این سالها در سطح بسیار وسیعی انجام گرفته است. امر واگذاری واحدهای تولیدی به بخشهای خصوصی به این بیکار سازیها وسعت بیشتری داده است، این خصوصی سازیها دقیقاً در برآورده کردن خواسته‌های سران سرمایه و ادغام شدن سرمایه ایران در بانک جهانی نقش داشته، اما از طرف دیگر به قیمت خانه‌خرابی کارگران و بخصوص زنان کارگر تمام شده است. پراکنده شدن زنان کارگر از محیط کار پیامدهایی را به همراه داشت که منجر به پایین آمدن سطح معیشت خانواده‌های کارگری شده و باعث شده زنان کارگر به کارهای نیمه وقت سوق داده شوند، که از جمله این نوع کارها انجام دادن یکسری کارهای قطعه‌کاری در خانه و یا انجام کارهایی از قبیل سبزی خشک کردن و یا تهیه و بسته‌بندی برخی از فرآورده‌ها. این نوع مشاغل سودآوری بالایی برای سرمایه‌داران و سرمایه‌داران ترجیح می‌دهند برای صرفه‌جویی بیشتر و پرداخت حداقل دستمزد به زنان کارگر و محروم کردن آنها از یکسری مزایا و خدمات اجتماعی در خانه انجام پذیرد. آنها با انجام این نوع کارها و دریافت حداقل دستمزد شدت استثمار میشوند. در ضمن بیشترین سهم از قراردادهای سفید و موقت از آن زنان کارگر است. عمدتاً در کارگاههای کوچک خارج از پوشش‌های قانون کار مشغول به کار هستند و دستمزدشان در جرگه پائین‌ترین مزدهای زیر خط فقر است.

آنجا که به بخش صنعت مربوط می‌شود، زنان حدود 8 درصد کارگران شاغل در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها با بیشتر از 10 کارگر را تشکیل می‌دهند (تعداد بسیار کمی از آنان کارگران فنی ماهرند) و غالباً در معرض جداسازی جنسی شدیدی در محیط کار قرار دارند. جمع‌کنندگی از زنان کارگر شاغل در بخش‌های صنعتی در کارگاههای کمتر از 10 کارگر مشغول کارند، و شاخه‌هایی چون قالی بافی و نساجی مراکز عمده تراکم آنان را تشکیل می‌دهد.

وجود شکاف‌های جنسیتی در جنبش کارگری معضلی است که مانع شرکت گسترده زنان کارگر در فعالیت‌های مختلف کارگری است. آنچه مسلم است زنان کارگر از لحاظ سطح دستمزدها و سطح

معیشت و هم تحمل ستم جنسیتی که بر آنها روا میشود در موقعیت بدتری نسبت به مردان کارگر قرار دارند.

تبعیض و نابرابری جنسی علیه زنان واقعیت انکار ناپذیری است که در تار و پود جامعه ایران با اعمال قوانین قرون وسطایی و مذهبی حکومت اسلامی سرمایه ملموس و قابل رؤیت است. کارخانه ها و محیط های کاری هم مستثنا از این قاعده نیستند.

عاملان و مدافعان این تبعیض و نابرابری جنسی، طبقه سرمایه دار ایران است که با استثمار شدید زنان و مردان کارگر برای سود آوری هر چه بیشتر سرمایه به این تبعیضات و نابرابری جنسی دامن میزنند. در این شکی نیست که کارگران علی رغم هر نوع اختلاف جنسی به عنوان یک طبقه، تولید ارزش اضافی می کنند، تحت عنوان یک طبقه استثمار می شوند و زنان و مردان کارگر به عنوان یک طبقه با یک منافع طبقاتی مشترک در برابر طبقه سرمایه دار ظاهر میشوند و به مبارزه می پردازند. اما این به معنای نفی وجود تبعیض و نابرابری جنسی ما بین طبقه کارگر نیست. از دیگر ستمهای جنسی بر زنان انجام کارهای خانگی است. کار غیر رسمی و بی مزد در خانه، که این نوع کارها را شامل میشود: مراقبت از کودکان، رسیدگی به درس و مشق آنها، تهیه مواد غذایی و پختن غذا، ظرف شویی، رخت شویی و اطو، بخشاً کارهای دوخت و دوز، کارهای نظافتی خانه، مدیریت خانه مانند پرداختن صورت حسابهای برق، آب و تلفن. خانه داری یک شغل دائمی است و فاقد دستمزد. خانه داری در طول زمان مشخصی انجام نمی گیرد، بلکه در تمام طول شبانه روز ادامه دارد. زنان به عنوان کارگران غیر رسمی عمدتاً این کار خانه داری را انجام میدهند. از طریق آن و با انجام خدمات خانگی، نیروی کار مورد نیاز سرمایه داری را باز تولید می کنند و برای سرمایه سود می آفرینند.

کارگر زن به علت زن بودن و امکان باردار شدن در برخی از کارخانه ها اگر ازدواجی بین کارگر زن و مرد صورت بگیرد، یکی از آنها امکان دارد کارش را از دست بدهد قطعاً کارگر زن خواهد بود.

جدا سازی و تفرقه بین زنان و مردان کارگر با تمام قوا و در سطح تمام قسمتهای کارخانه ها انجام گرفته و بشدت تعقیب میشود. در برخی قسمتها حتا زنان و مردان کارگر بوسیله یک دیوار یا پرده یا هم جدا شده اند. کارگران زن در همه حال حتا زمانی که کار همسان با کارگران مرد انجام میدهند دستمزد پایین تری می گیرند. علاوه بر این در طول این سالهای اخیر انتقال کارهای سنگین به زنان که قبلاً توسط مردان انجام می گرفت، رواج زیادی یافته است.

دستمزدهائی که امروزه در برخی از واحدهای تولیدی به کارگران زن پرداخت می شود، گاه حتا از یک سوم دستمزد های ناچیز رسمی و تعیین شده نیز پائین تر است. کارگر زن بودن، معنایش محرومیت، ستمکشی و فرودستی بیشتر است. کارگر زن بودن معنایش بی حقوقی، محرومیت بیشتر و استثمار خشن تر است. کارگر زن که در محیط کار تبعیض و نابرابری را با گوشت و پوست خود لمس می کند، بیرون از کارخانه نیز با آن درگیر و مواجه است. سرمایه داری با تمام ابزار و امکاناتش از این تبعیضات و نابرابریها در جامعه دفاع نموده و آن را تقویت می نماید. جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام ارتجاعی زن ستیز این تبعیضات و نابرابری ها را در ابعاد وسیعی تشدید نموده و به آن پوشش قانونی داده است.



مجموعه این محدودیت‌ها و تبعیضاتی که زنان به طور کلی بالاخص کارگران زن با آن روبرو هستند، سبب شده است تا فعالیت زنان کارگر، آن تحرک و گسترش لازم را نداشته باشد.

وابستگی خانواده و به ویژه فرزندان به مادر و به عبارت دیگر پایبند بودن زنان کارگر به خانه مسئولیتهایی که در این رابطه به عهده آنهاست از تحرک آنها کاسته و در صورت نارضایتی از شغل به راحتی قادر به تغییر شغل و تغییر مکان نمیباشند چرا که موقعیت جغرافیایی محل کار و نزدیک بودن آن به محل زندگی برای زنان کارگر به مراتب مهمتر از مردان میباشد و این مسئله ترس از دست دادن کار را برای زنان بیشتر میکند.

زنان کارگر عملاً از حقوق مساوی با مردان برخوردار نیستند. به طور مشخص با آنکه از دستمزد زنان کارگر نظیر کارگران مرد مبلغی به عنوان بیمه کسر میگردد (7% سهم کارگر) که بابت خدمات درمانی و حقوق بازنشستگی و... ذخیره میشود اما در صورت فوت حقوق زن کارگر به فرزندانش تعلق نمیگیرد و در واقع پس اندازی که طی سالها از محل حق بیمه او صورت گرفته مصادره میگردد. همچنین قوانین به ظاهر حمایتی نظیر بازنشستگی پیش از موعد زنان کارگر (20 سال سابقه 42 سال سن که 20 روز حقوق به آنها تعلق میگیرد) نیز در واقع نه کمکی به آنها، بلکه روشی برای پایین نگه داشتن دستمزدها میباشد.

کارگران شاغل در کارگاههای کوچک، کارگاه های خانگی، مهد کودکها، آرایشگاهها، مطبها، مغازهها، قالیبافیها و... عمدتاً زن هستند. این کارگران با دستمزدی بسیار پایین تر از حداقل حقوق مصوب (گاه یک پنجم حد اقل حقوق و میتوان گفت تقریباً رایگان) بدون بیمه، بدون ساعات کار معین، بدون وسیله ایاب و ذهاب، بدون داشتن مرخصی قانونی و بدون هیچ نوع قرارداد کاری (حتی همان قرارداد موقت کذایی) در مکانهایی غیر بهداشتی مشغول به کار بوده و به شدیدترین شکل ممکن استثمار می شوند. از قبل وجود چنین مشاغلی هست که سرمایه داری از یکطرف به مبالغ خیره کننده ای بابت صرفه جویی در هزینه ها دست می یابد و از طرف دیگر سطح دستمزدها را پایین نگه میدارد.

زنان به دلیل پراکندگی و نداشتن تشکل حتی قادر نیستند نسبت به وضعیت فلاکت بار خود کوچکترین اعتراضی را سازمان دهند. راه مبارزه با بیکاری، برای اشتغال و نیز بهبود شرایط کار و مزد نیز از ایجاد تشکل می گذرد. ایجاد تشکل های توده ای کارگران، متکی به نیروی کارگران و در جهت برآورده کردن منافع کارگران. همچنین مشارکت فعال زنان کارگر، به عنوان تحت ستم ترین گروه اجتماعی در میان کارگران و در میان زنان در جهت تغییر عینی شرایط اجتماعی شان و همچنین برای تقویت هویت طبقاتی شان، در جنبش کارگری ضروری است. یکی از ابزار های عملی کردن چنین مشارکتی می تواند تشکل های زنان در محل کار و محلات زیستی باشد که به عنوان یک وسیله گرد همائی آنان را در جهت پاسخ دادن به نیازهای مشترک شان ممکن سازد و به این ترتیب زمینه شرکت فعال شان در عرصه اجتماعی و کارگری را فراهم کند، فضائی ایجاد کند که در آن بتوانند راه حل ها و ابتکارات خود را برای حل مسائل و پیشبرد مبارزه شان به میدان آورند و اعتماد به کار جمعی خود را در این زمینه تقویت کنند. در یک کلام زنان کارگر به چنین تشکل هایی نیاز دارند تا بتوانند در جنبش کارگری هم به شکل موثرتری مشارکت نمایند و نقش بازی کنند.

## حذف ونادیده گرفتن فعالیت نهادهای همبستگی در آکسیون اعتراضی

### ششم ژوئن ژنو غیرمسئولانه و کتمان بخشی از واقعیت است

دربری از تارنماها از جمله اخبار روز، افق روشن و گزارشگران در تاریخ هفتم ژوئن گزارشی به قلم خانم سوسن محمد خانی غیاثوند درباره آکسیون اعتراضی ژنودرج شده است که بخشی از واقعیت را نادیده گرفته و کلامی در آن باره نیاورده است.

متأسفانه در این گزارش تلاشهای نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور در راستای انعکاس صدای کارگران ایران و افشای نمایندگان دروغین اعزامی جمهوری اسلامی به کنفرانس، نه تنها کاملاً نادیده گرفته شده است، بلکه از حضور گسترده این نهاد در آکسیون ژنودگری به میان نیامده است.

جای تعجب است که خانم گزارشگر تنها تک چادری که در میدان ناسیون، محل برگزاری آکسیون مسقربود، یعنی چادری را که حتی تصویر آن در کنار مطالب ایشان درج شده است و توسط نهادهای همبستگی نصب شده بود، مشاهده نکرده باشد و شعارها، پلاکاردها، عکسهای کارگران زندانی و فعالین مستقل کارگری، عکسهای مبارزات کارگری، عکس بسیار بزرگ شلاق اسلامی بر تن کارگران آق دره و تابلوی دومتری نام نهادهای همبستگی به دوزبان فارسی و انگلیسی و با حروفی کاملاً درشت که گرداگرد چادرتبلیغاتی نظرها را جلب میکردند، به نظرایشان نرسیده باشد و تراکتهائی که به چهار زبان فارسی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی دورتا دور چادرقرار داشتند وزیر آنها نام نهادهای همبستگی درج شده بود، نظرایشان را به خود جلب نکرده باشد. جای تعجب کم مانندی است که خانم گزارشگر صحبتهای خود با یکی از خانمهای عضونهادهای همبستگی در مورد پخش اطلاعیه در برابر یکی از دربهای ورودی ساختمان کنفرانس را نیز از حافظه خود زوده باشد. شاید ایشان از فعالیت های نهادها پیش از برگزاری کنفرانس از جمله یک اطلاعیه مشترک با اتحاد عمل تشکل های چپ در آمریکای شمالی و یک اطلاعیه مشترک با اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران که وسیعاً در شبکه های مجازی پخش شدند و همگان را به اجتماع اعتراضی در روز ششم ژوئن فراخوانده بودند و سایر فعالیتهای نهادها برای شرکت هر چه وسیعتر در تظاهرات علیه رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و مزدوران اعزامی دولتی اطلاعی نداشته است و یا نخواستند از آنها مطلع شود، ولی آنچه در مقابل دید هر رهگذری عیان بوده، دیگر نمی تواند از چشم ایشان پنهان مانده باشد. نه انسانها، نه چادر، نه پلاکاردها و تراکتها، نه عکسها و شعارها آنقدر ریز نبودند که ایشان احتیاج به ذره بین می داشت.

فعالین نهادهای همبستگی علاوه بر تلاشهایی در میدان ناسیون ( محل برگزاری آکسیون ) از قبیل ارتباط با سایر فعالین حاضر در آکسیون، مصاحبه با رسانهها و توزیع بولتن انگلیسی نهادها و اطلاعیه و شعارها و ارائه اطلاعات درباره شرایط و وضعیت کارگران ایران و روشنگری درباره انواع واقسام فشارهای امنیتی علیه فعالین مستقل کارگری در ایران، کوتاه مدتی پیش از شروع نشست کنفرانس نیز کوشیدند مطالبی به زبان انگلیسی در اختیار شماری از نمایندگان گانی که در حال ورود به محل نشست

کنفرانس سازمان جهانی کاربود ند، قراردهند ودرمورد کارگزاران مزدورجمهوری اسلامی روشنگری کنند. مضمون این مطالب چنین بودند:

- 1 - کارگزاران اعزامی جمهوری اسلامی نماینده کارگران نیستند، بلکه سرکوبگرفعالین راستین کارگری هستند.
- 2 - اعتصاب غذای جعفرعظیم زاده درزندان.
- 3 - گزارش فشرده ای از نقض حقوق کارگران وسرکوب فعالین کارگری طی دوماه اخیر.
- 4 - اطلاعاتی درباره تشکلات مستقل کارگری وفعالین کارگری درایران.
- 5 - اطلاعاتی درباره تشکلات به اصطلاح کارگری وابسته به رژیم جمهوری اسلامی.
- 6 - ذکر مهم ترین خواسته‌های کارگران ایران ودررأس آن‌ها ایجاد تشکلات مستقل کارگری.
- 7 - گزارش اعتراضات ومبارزات کارگران ایران دریک سال گذشته.
- 8 - ترجمه نامه سرگشاده محمود صالحی به آی . ال . او.
- 9 - ترجمه نامه سرگشاده بهنام ابراهیم زاده اززندان.
- 10 - ترجمه نامه سرگشاده اتحادیه آزاد کارگران ایران به آی . تی . یو . سی.
- 11 - ترجمه نامه سرگشاده جعفرعظیم زاده اززندان.

یکی ازکارگزاران اعزامی رژیم جمهوری اسلامی به مأمورحفظ امنیت ساختمان کنفرانس علیه حضورفعالین نهاد‌های همبستگی وپخش اطلاعیه وبولتن اعتراض کرد که مأمورفوق با تهدید به درخواست کمک ازپلیس، ازادامه ی توزیع مطالب مذکورجلوگیری نمود. آنگاه توزیع کنندگان کوشیدند درمیدان تظاهرات وپیاده روهای اطراف کنفرانس، اطلاعیه ها وبولتن را به دست شرکت کنندگان درکنفرانس برسانند. دراین آکسیون 400 اطلاعیه وتعداد زیادی بولتن انگلیسی که دوازده صفحه میباشد، توزیع گردید.

نهاد‌های همبستگی با جنبش کارگری درایران - خارج کشور

[nhkommitttehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommitttehamahangi@gmail.com)

هشتم ژوئن 2016

# اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار و اعتراض ما

اعتراض ما به همراه دیگر نهادهای مدافع حقوق کارگران جهان و ایران، در هنگام برگزاری اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار در ژنو، ممکن است این سوال را در اذهان ایجاد کند که، با توجه به اینکه ما قبلاً درک خود را در رابطه با سازمان مذکور بیان کرده و کوچکترین ابهامی در رابطه با عملکرد و اهداف آن نداریم (در پایین این سند ضمیمه است)، چه هدفی را دنبال می‌کند. بد نیست ابتدا سابقه و نیز تاریخچه شکل‌گیری سازمان جهانی کار (آی ال او) را مرور کنیم. (منبع: ویکی‌پدیا)

پیشینه این سازمان :

« سازمان بین‌المللی کار یکی از موسسات تخصصی سازمان ملل متحد است که به امور مربوط به کار و کارگران می‌پردازد. این سازمان در سال ۱۹۱۹ و در نتیجه بحث‌های کنفرانس صلح پاریس تأسیس شد. سازمان بین‌المللی کار در آغاز وابسته به جامعه ملل بود و پس از تأسیس سازمان ملل متحد از سازمان‌های وابسته به آن شد. منشور فعلی سازمان که به بیانیه فیلادلفیا معروف است در سال ۱۹۴۶ تصویب شد.

مقر این سازمان در شهر ژنو در کشور سوئیس است. سازمان هر سال در ماه خرداد کنفرانسی برگزار می‌کند.»

پیرامون تاریخچه تأسیس این سازمان نیز آمده است :

« سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ پس از پایان جنگ جهانی اول در زمانی که کنفرانس صلح در کاج ورسای بر پا بود، شکل گرفت. نیاز به پیدایش چنین سازمانی در قرن نوزدهم به وسیله دو تن از صنعتگران ولزی و فرانسوی یعنی رابرت اوون و دانیل لکراند مورد تأکید و پیگیری قرار گرفته بود. پس از آنکه طرح مذکور در خلال همکاری‌های بین‌المللی جهت تدوین قانون کارگران در سال ۱۹۰۱ در باسل مورد توجه قرار گرفته بود. سازمان ILO با هدف تدوین مقررات و قوانین بین‌المللی در جهت بهینه‌سازی استانداردهای بین‌المللی کار و حصول اطمینان از بکارگیری آنها متولد شد. قانون ILO در بین ماههای ژانویه و آوریل ۱۹۱۹ به وسیله کمیسیون کار در کنفرانس بین‌المللی صلح تدوین شد. این کمیسیون ترکیبی بود از نمایندگان ۹ کشور بلژیک، کوبا، چکسلواکی، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، لهستان، بریتانیا، و ایالات متحده آمریکا که رهبری کمیسیون را ساموئل گامپرس، رئیس فدراسیون کارگری آمریکا (AFL) بر عهده داشت. نتیجه این نشست بروز سازمان سه جانبه‌گرایی بود که تنها سازمانی بود که نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران را در یک نقطه سامان می‌داد. قانون ILO فصل هشتم معاهده صلح ورسای است.»

برگرفته از ویکی‌پدیا یا دانشنامه آزاد :

<http://fa.wikipedia.org/wiki>

## اقدام اعتراضی ما چه هدفی را تعقیب می‌کند؟

برای کسانی که آشنایی با ماهیت سازمان جهانی کار (I.L.O) نداشته باشند، امکان دارد اینگونه تصور شود که گویا این سازمان در مقام "ناجی" و حمایتگر همه جانبه منافع کارگران ایران یا در مقام "قاضی" بی طرف میان رژیم سرمایه داری حاکم و طبقه کارگر ایران قرار گرفته است.

ما برآنیم که سازمان بین‌المللی کار، سازمانی است که اصولاً به منظور ایجاد قطبی در مقابل انقلاب‌های کارگری شکل گرفته است. ولی این بدان معنی نیست که فعالان مدافع حقوق کارگران بی تفاوت از برگزاری اجلاس سازمان جهانی کار که در آن نماینده‌های اتحادیه‌های کارگری حضور دارند، بگذرند. ما می‌توانیم از طریق اتحادیه‌های کارگری (الزاماً از طریق روابطی که با آنها داریم مثل ژد در فرانسه) برای اعمال فشار بر آن و سیاست‌های ضد کارگری اجلاس استفاده کنیم، تاکتیک مناسبی که از طریق آن بتوان اعمال ضد کارگری رژیم اسلامی را افشاء و نماینده‌گان مزدور شرکت داده شده در اجلاس را رسوا کرد. شرکت در این حرکت افشاگران در عین حال می‌تواند انعکاس صدای اعتراضی کارگران در ایران باشد که فعالین و نماینده‌گانشان در زندانها هستند.

بحران عمیق سرمایه داری جهانی منجر به جنگ جهانی اول شد ولی پس از جنگ انقلاب اکتبر و حرکت‌های کارگری در راستای تشکیل شوراهای کارگری در روسیه، و سپس در آلمان - اطریش، مجارستان به وقوع پیوستند. در این میان سرمایه جهانی به ابتکار رئیس جمهور وقت آمریکا یعنی "ویلسون" برنامه چهارده ماده‌ای را به عنوان صلح در قرارداد ورسای در ژوئن ۱۹۱۹ ادامه داد. در اساس این برنامه ایجاد نهادی به نام «اتحادیه ملل» بود که بنیاد (سازمان بین‌المللی کار) را بنا نهادند.

سازمان بین‌المللی کار (I.L.O) از ابتداء برای تحمیل کارگران در سطح جهان و جلوگیری از تشکیل شورای‌های کارگری و تشکل‌های مستقل کارگری توسط امپریالیسم پایه گذاری شده تا در مرکز قوانین آن مشارکت دولت و کارفرما و کارگران منتخب خود دولت‌ها در سطح کشورهای دیکتاتوری بدور از حضور نمایندگان اتحادیه‌های کارگری و منتخب خود کارگران، گزینش شبه کارگرانی را به مثابه "اسیر" در این معادله نماینده دولت و کارفرما در مضمون سه جانبه‌گرایی جای دهند.

از نظر ما همانطوری که سازمان ملل متحد خود، یکی از اهرم‌های حافظ نظم موجود جهانی و سلسله مراتب زورگویانه حاکم بر آن است و به دلایل عدیده‌ای نمی‌تواند تجسم وجدان بشریت باشد یا حتی منافع اکثریت آحاد جمعیت در کشورها را نمایندگی کند، سازمان‌های زیر مجموعه آن از جمله همین "سازمان بین‌المللی کار" نیز نمی‌تواند جدا از اهداف و سیاست‌های آن باشد. برای ما نیک مشخص است که هر بحثی در باره مشروعیت و کارکرد نهادهای بین‌المللی موجود، خواه ناخواه بحثی در باره مشروعیت و کارکرد قوانین بین‌المللی موجود هم هست. اگر نهادهای بین‌المللی موجود نهادهایی هستند برای تنظیم رابطه دولت‌ها که عمدتاً در جهت حفظ منافع امپریالیسم آمریکا و قدرت‌های متحد سرمایه جهانی آن عمل می‌کنند، قوانین بین‌المللی موجود و پذیرفته شده از طرف این نهادها نیز در راستای همین وظیفه تنظیم شده‌اند. برای ما روشن است که اینها سازمان‌هایی میان دولتی هستند که کار در آنها از طریق ژد و بند میان دولت‌ها پیش می‌رود. ولی آیا این حد آگاهی ما وسیله می‌گردد که از ابزار نظم بورژوازی و در عین حال نداشتن هیچ توهمی نسبت به ماهیت و کارکرد آن، برای تعمیق یافتن مبارزه فرودستان جامعه خود و جامعه جهانی از آن

بهره نگیریم و مبارزات خود را صیقل ندهیم و تعمیق نبخشیم؟ سازمان جهانی کار همانطور که در بالاتر اشاره شد با فشار و خطر شوره‌های کارگری بر علیه سرمایه در مقابل و کنترل آن توسط سرمایه داری ساخته شد، توازن قوای جنبش کارگری و نیز سایر جنبش‌های اجتماعی همین سازمان را در مقاطعی تاریخی به عقب نشینی و تن دادن به موضع‌گیری بر خلاف منافع سرمایه واداشته است .

مثالهای متعددی می‌توان در این زمینه آورد ، از جمله محکومیت و انزوای حکومت نژادپرست در آفریقای جنوبی ، افشاگریها درباره سیاست تجاوزگران امپریالیسم آمریکا در ویتنام و کامبوج ، افشاگری در مورد صهیونیسم و تصویب امتیازاتی هر چند ناقص و ناکامل برای خلق فلسطین، دفاع هر چند نیم بند از زندانیان سیاسی از طریق سازمان عفو بین المللی و سازمان حقوق بشر و.... بنابراین تظاهراتهای متعدد نیروهای مترقی در برابر ساختمانهای این تشکلات نیز، بی‌اثر در تصویب و اجرای آن مصوباتی که جنبه مترقی داشته اند، نبوده است . زمانیکه صف چند ده هزار نفری معترضین به تجاوز امپریالیستی آمریکا به ویتنام از جلوی ساختمان سازمان ملل گذشت ، تقویت کننده افشاگری آنانی بود که در درون ساختمان ، در محکوم نمودن آن تجاوز و باخواست پایان آن ، می‌کوشیدند .

نتیجه اینکه: سازمان جهانی کار دارای ماهیتی کاملا بورژوازی است و دست سرمایه داری و دولت‌های سرمایه داری را در تجاوز به منافع کارگران از طرق گوناگون از جمله چانه زنی‌های «سه جانبه گرایی» بازمی‌گذارد. جدا از این امر، در این سازمان در اکثر موارد نمایندگان واقعی کارگران کشورها شرکت ندارند بلکه نمایندگان اینگونه کشورها ، فرستادگان دولتی و یاتشکلات قلابی دولتی می‌باشند و بهیچوجه صلاحیت نمایندگی را ندارند . نمایندگان جمهوری اسلامی ایران از این جمله هستند. اگر می‌پذیریم که این کرسی نمایندگی غصب شده است و بایستی در اختیار نمایندگان واقعی کارگران ایران گزارده شود ، پس بایستی برای تحقق این امر هم از درون این تشکل و هم از بیرون مبارزه کرد. از درون می‌تواند با یاری نمایندگان سندیکاهای مترقی عضو و از بیرون با اقدام به انواع تحرکات اعتراضی ، نامه نوشتن، از اطلاعیه و بیانیه صادر کردن و سازمان دهی آکسیونهای اعتراضی متشکل دست به اقدام زد. کاری که ما به سهم خود در مشارکت با دیگر گروه‌های مدافع حقوق کارگران ایران طی چندسال پیش انجام داده ایم . تکرار نمایش اعتراضی با برپایی سازمانیافته ترمیتینگ در برابر ساختمان سازمان جهانی کار در ژنو و در زمان برگزاری نشست سالانه نمایندگان، با درس آموزی از ضعف‌های سال‌های پیشین ، در مرحله اول به امر اتحاد عمل مدافعین حقوق کارگران در سطح تشکل‌های موازی خارج از کشور یاری رسانده و دیگر اینکه می‌تواند به پژوهش مبارزه مستقل کارگران در درون کشور هم عهد گردد. زیرا که مبارزه کارگران با اعزام نمایندگان قلابی رژیم از درون و تقویت این مبارزه از بیرون توسط گروه‌های مختلف ، تا کنون تأثیرات مثبت داشته است . ما باید این سنت هر ساله را با جادادگی هر چه وسیعتر با پشتیبانان سندیکایی خود در فرانسه و سراسر جهان به پیش ببریم . و صد البته این کار با تدارک سازمانیافته قبلی فراهم می‌گردد.

فعالین نهادهای همبستگی - همانگونه که تا به امروز در عمل اجتماعی و در اسناد و بیانیه‌های خود نشان داده اند - همیشه اوقات در امر مدافعه از حقوق کارگران در برابر منافع آشکار سرمایه داری موجود، همواره بر تقدم مبارزه علیه بهره‌کشی از کارگران در ایران اصرار ورزیده و در این راستا قدمی به عقب بر نخواستند .

## سازمان جهانی کار،

### ارگانی برای تنظیم شرایط کار به نفع دولت‌ها و کارفرمایان است!

کارگران ایران از حق ایجاد تشکلهای مستقل برخوردار نیستند، تشکلهای کارگری موجود، سندیکای واحد و سندیکای هفت تپه و ...، تحت فشار و سرکوب هستند و کارگران و فعالین کارگری مورد اذیت و آزار مداوم قرار میگیرند. نمایندگان کارگران و فعالین کارگری در زندانهای رژیم اسلامی اسیر و تحت فشارهای جسمی و روحی بسر میبرند. اعتراضات، اعتصابات و تجمعات کارگری سرکوب میشوند. سازمانها و اتحادیه های کارگری در سطح جهانی و بخصوص نمایندگانشان در سازمان جهانی کار از این موضوع بی اطلاع نیستند. با اینحال هر ساله هیئتی از رژیم جمهوری اسلامی به این اجلاس دعوت شده و مسئولیت به آنها واگذار میشود. حتی همان حداقل مقاوله نامه های سازمان مذکور توسط رژیم زیر پا گذاشته میشود.

سازمان جهانی کار که زیر مجموعه سازمان ملل است، با توجه به سابقه و اهدافش تا به امروز نشان داده است که منافع مستقل کارگران، منافعی که از درون مبارزات آنان سرچشمه گرفته باشد، در آن نمایندگی نشده و جایی ندارد. در اثر مبارزات تاریخی طبقه کارگر در کشورهای مختلف در منشور سازمان بخشی از دستاوردهای این مبارزات منجمله حق ایجاد تشکل، قراردادهای جمعی، رفع تبعیض و برابری حقوقی درج شده است. آنچه از اهداف این سازمان بر می آید، تدوین و اجرای قوانینی در چهارچوب مناسبات موجود یعنی تامین شرایط کار در جهت نیاز دولت‌ها و مالکان سرمایه است و منافع کارگران در آن جایی ندارد. درک حاکم بر اجلاس، سیاست سه جانبه گرایی است که دولت‌ها با توجه به تنظیمات ارگانهای جهانی مانند سازمان تجارت جهانی کار و صندوق بین المللی پول می بایست در قوانین کشوری به اجرا بگذارند. از اینرو نمایندگان دولت‌ها، کارفرمایان و تشکلهایی که به نام کارگر از بالای سر توده کارگر و در چهارچوب سیاستهای حاکم سازمانیافته اند، رابطه کار و سرمایه را به اتفاق تنظیم میکنند. این سیاست هیچ ربطی به منافع پایه ای کارگران نداشته و تغییری در بهبود شرایط زندگی آنها ایجاد نمی کند.

هر گونه تغییر در شرایط کار و زندگی کارگران در گرو ایجاد تشکلهای مستقل و متکی به نیروی کارگران و برگزیدن نمایندگان واقعی خود خواهد بود.

### نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

2 ژوئن 2013

# جنایت ضد کارگری جمهوری اسلامی، ضد انسانی و محکوم است!

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، کارگران مبارز معدن طلای آق طلا در منطقه تکاب در استان آذربایجان غربی را به شلاق بست. این کارگران رنج دیده چه خواستی داشتند که از منظر حکومتی متحجرو عقب گرا مستحق شلاق اسلامی بودند؟ آنان برای حق مسلم خود یعنی ادامه ی اشتغال در معدن که زیر نظر شرکت پویا زرکان به عنوان پیمانکار، کارگران ستمدیده را استثمار و اخراج کرده بود، در تاریخ ششم دی ماه سال گذشته تجمع اعتراضی برپا داشتند. سرمایه داران این شرکت برای استثمار بیشتر کارگران و غارت افزون تر دسترنج این زحمتکشان، آنان را با قراردادهای موقت استخدام میکنند که در نتیجه پس از سپری شدن قرارداد، کارگران محکوم به بیکاری می‌شوند و در ضمن از همان اندک حقوق کارگری مصروحه در قانون کار نیز محروم اند.

350 کارگر معدن طلای آق دره برای احقاق حقوق خود خواهان ادامه ی کار شدند، همان حقی که حتی در به اصطلاح قانون کار نیز به آنها اشاره شده ولیکن همواره تنها بر روی کاغذ مانده است. کارگران معترض مورد هجوم وحشیانه گارد حراست اسلامی قرار گرفته، برخی زخمی و تعدادی دستگیر میشوند. سردمداران رژیم اسلامی که برای حفظ منافع سرمایه داران از اقدام به ضد انسانی ترین جنایت ابا ندارند، سرمایه داری یعنی شرکت پویا زرکان را محق دانسته، ضرب و شتم کارگران توسط ارانلی به نام حراست را اقدامی سزاوار قلمداد کرده و 17 کارگر رنج دیده را محکوم به شلاق، جزای نقدی و ماهها زندان کرده اند. پنج تن از کارگران متهم به اخلال نظم عمومی، هر کدام به 100 ضربه شلاق و 37 ماه زندان محکوم شده‌اند، سایر کارگران دستگیر شده نیز به 50 ضربه شلاق و احکام تا 37 ماه زندان محکوم گردیده اند که این احکام ضد انسانی به اجرا درآمده است. ننگ و نفرت بر حکومتی که می‌پندارد صدور احکام مدینه و مکه در 14 قرن پیش و فرامین قضات امویان و عباسیان درباره فرودستان، هنوز حکم روز است.

سردمداران جمهوری اسلامی، این متولیان قوانین و سنن دوران بربریت پنداشته اند که این کارگران را با ضربات شلاق اسلامی به خاری و شرمساری افکنده اند. زهی تصویری باطل که تنها میتواند از مخیله فرومایگانی عقب گرا تراوش کند. این کارگران ستمدیده ضربات سنگین و درد آور شلاق را تحمل کردند و معنای لطافت و مروت اسلامی داعش گونه را بر بدن خود لمس نمودند، زیرا زبان به دفاع از منافع طبقاتی خود و دیگر کارگران گشوده بودند. هر ضربه ای که بر پیکر این کارگران فرو آمد، ضربه ای بر تمامی پیکره ستمدیدگان و فرودستان جامعه بوده است و مسلماً هر ضربه ی شلاق، خشم و نفرت فزون تری را نسبت به حاکمان اسلامی در پی خواهد داشت. جنایتکاران حکومتی نه تنها نتوانسته اند این کارگران را با توسل به شلاق شرمسار سازند، بلکه خود را رسواتر ساخته اند و سر بلندی نصیب شلاق خوردگان شده است. درود بر این کارگران ستمدیده و رنج کشیده. فستیوال به راه انداختن حکم شلاق به جان کارگران، نشانه زبونی و حقارت کلیت نظام اسلامی در برابر قداست طبقه کارگر و مبارزات خلل ناپذیر گروه‌های مختلف کارگران ایران در تمامیت سال گذشته و طی سال جدید تا به امروز است.



گردانندگان حکومتی از گسترش و افزایش اعتراضات کارگری به چنان وحشتی افتاده اند که به باطل تصور میکنند با اقدام به ضد انسانی ترین مجازاتهای اسلامی قادر خواهند بود، عزم راسخ کارگران رنج دیده را با توسل به شیوه‌های مطرود دوران توحش و شترچرانی درهم شکسته و سکوت گورستان را در یکایک بنگاههای تولیدی ایران حاکم سازند. هم‌اکنون در سرتاسر ایران، از شمال گرفته تا جنوب و از غرب تا شرق، شاهد این یا آن اعتراض کارگری هستیم و هیچ نیروی ترفندی قادر به خفه کردن این فریادهای اعتراضی نیستند، زیرا کارگری که اخراج می‌شود، کارگری که چندین ماه دستمزد دریافت نکرده است، کارگری که با دستمزدی یک چهارم زیر خط فقر مجبور به گذران زندگی در تنگدستی شدیدی شده است و آن کارگری که شده‌ای که ماهها و شاید سالیانی در جستجوی کار هست و با گرسنگی و بی خانمانی میسازد و میسوزد، چیزی برای از دست دادن ندارد که از تهدیدات سرمایه داران و رژیم حامی سرمایه و همه داشته باشد و دست از اعتراض بردارد. هم‌اکنون کارگران کارخانه آهن و فولاد ارفع در چندمین روز اعتصاب هستند، کارگران شهرداری‌ها در شهرهایی چند چون رشت، اهواز، خرمشهر و.... فریاد اعتراضی را سرداده اند، کارگران اخراج شده نفت شمال همچنان تجمع اعتراضی را سازمان می‌دهند، کارگران عسلویه اعتراضات خود را دنبال گرفته‌اند و..... حتی در تاریخ بیستم اردیبهشت در کارخانه چوکا در و تن از مسئولان بهنگام تجمع اعتراضی کارگری درون کارخانه، به بیرون از محیط کار انداخته شده‌اند.

رژیم متحجر اسلامی هنوز می‌تواند کارگران معدن آق دره را به شلاق ببندد، جعفر عظیم زاده، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده و دیگر فعالین کارگری زندانی را در بند نگه دارد، محمود بهشتی لنگرودی معلم خوش آوازه را روانه بیمارستان و اکبر باغانی را تبعید نماید یا برای فعالین کارگری همچون رضا شهابی، مددی، داود رضوی، محمود صالحی و دیگران احکام سنگین صادر کند و سایر فعالین کارگری را تحت آزار و پیگرد قرار دهد، ولیکن قادر به جلوگیری از سیل خروشان اعتراضات کارگری نیست. آن زمان که جنبش کارگری ایران بتواند تشکلات مستقل خود را ایجاد کند، توازن قوا دگرگون خواهد شد و رژیم اسلامی قادر نخواهد شد که اینگونه وحشیانه به چنان شیوه‌های نفرت انگیز و ضد انسانی دست یازد. حل معضل تشکلات مستقل سراسری وظیفه‌ای است که کماکان بر دوش تمامی فعالین راستین و یاران واقعی کارگران سنگینی میکند.

ما، فعالان نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، همدردی و پشتیبانی خود را از 17 کارگر رنج دیده معدن طلای آق دره اعلام داشته و با اظهار انزجار از این جنایت و وحشیگری سردمداران و مزدوران جمهوری اسلامی، صدور احکام ضد انسانی در مورد کارگران معدن آق دره را شدیداً محکوم می‌کنیم.

## سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

### زنده باد سوسیالیسم

28 می 2016

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

## بی شرمی حاکمان جمهوری اسلامی را مرزی نشاید!

همگان، پیام دادستان تهران درباره جعفر عظیم زاده را به یاد داریم که اعلام داشت: « ما فقط دستور رسیدگی پزشکی را برای اوصاد کرده ایم و هر بلایی در نتیجه ی اعتصاب غذا بر سر وی بیاید برای ما مهم نیست» ، یعنی حتی در صورت مرگش نیز زره ای عقب نشینی نخواهیم کرد. این رأی حاکمان ضد کارگری جمهوری اسلامی و دستگاه " قضائی" وقاضی القضاات های عاری از هرگونه ارزش های انسانی تازگی ندارد بلکه کلیت این نظام در پی اعتنای به اصالت جان آدمی و مبارزه و ایستادگی شان، همواره تا به امروز چنین حکم رانده اند. فصل تابستان است و فتوای امام مرگ (خمینی) در قتل و عام دوده خونین تابستان ۶۰ و ۶۷ در حافظه ها ثبت است.

اما در پی پایداری جعفر و خانواده اش، همراه با اعتراض فعالان کارگری و آزادیخواه در داخل کشور و همکاری فعالان و مبارزان چپ و ترقی خواه خارج کشور و جلب حمایت گسترده بین المللی اتحادیه ها، سازمان ها و شخصیت های مترقی و سرشناس و نقش شبکه های اجتماعی و رسانه ها، حاکمان اسلامی مجبور به عقب نشینی شدند و جعفر از ناپهنگامی وضعیت جسمی خود و خطر مرگ رهائی یافت.

هنوز مرکب این عقب نشینی آشکار دادستان تهران مبنی بر آزادی موقت جعفر عظیم زاده بر برگه آزادی از زندان خشک نشده است که بیدادگاه دیگری در شهرستان ساوه او را احضار کرده و وقیحانه وی را به همان اتهاماتی که جعفر برای لغو آنها تا پای جان ایستاد، به " تفهیم چهار اتهام امنیتی " تهدید کرده است. باز پرس شعبه چهار دادرسی شهرستان ساوه با نهایت بی شرمی تلاش دارد توجیه کند که اکنون پرونده دیگری در دستور کار می باشد و می باید مسیر " قانونی " خود را طی کند! آنها که در توجیه هر جنایت و خیانتی ید طولانی دارند، می کوشند با این " حربه خفت خود را از آن شکست و وحشت خویش را از تکرار آن کارزار گسترده در حمایت از مطالبات برحق عظیم زاده و عیدی در پیوند با کارگران و معلمان، پنهان کنند و کینه توزانه برای انتقام گیری و ایجاد رعب و وحشت، دندان تیز نشان دهند و شمشیر از رو بپنند.

همه حاکمان دین بنا بر اقتضای منافعتشان خود را به نادانی می زنند و چشمان خود را در رویش راهکارهای جدید مبارزه مردمی به گوری می بندند و خود را به نفهمی می زنند تا نزدیک به هزار نفر را که با امضاء طوماری و با اعلام اعتصاب غذای همزمان، به یاری جعفر برخاستند، نبینند. حاکمان ارتجاعی جمهوری اسلامی، ستایش مادران جانفشانان و زندانیان سیاسی از ایستادگی جعفر و دفاعش از حقوق طبقه کارگر را خوانند و بی شمار پیام های سازمان ها، فعالین و تشکلات داخل و خارج در همبستگی و شادباش با جعفر را دیدند و اطلاع دارند که سازمانهای جهانی از جمله عفوبین الملل، فراخوان برای ادامه مبارزه جهت آزادی قطعی جعفر عظیم زاده داده است، ولیکن برای اثبات ادعای دروغین خود مبنی بر ثبات و آرامش در ایران، چاره را در کتمان دیده اند.

باید به تاریخ اندیشان دوران تحجروتوحش گفت: زهی خیال باطل! سنگی را که بلند کرده اید به روی پای خودتان خواهد افتاد. بر ما روشن است، آنچه که اکنون در انتقام گیری از جعفر این گونه کینه ی شتری شمارا برانگیخته است، پیام شورانگیز جعفر در اهمیت شکل گیری عملی و مستحکم پیوند جنبش های کارگران، معلمان و دانشجویان، و سپاس متواضعانه وی پس از مرخصی از بیمارستان از همه ی انسانهایی بود که در کنار او ایستادند.

ما، نهادهای همبستگی به پشتوانه دفاع از مبارزات و ایستادگی طبقه کارگر و دفاع از موجودیت همبسته همگرانی های نیرومند وحدت عمل کارگران، معلمان و دانشجویان ترقی خواه بر آنیم که این ها همه به ما نوید می دهند، از دل همین مبارزات متحدانه، آتشفشانی در راه است، آتشفشانی که می آید تا بساط ننگین آن یک درصدی ها را برای همیشه از صحنه تاریخ برود. هراس ارتجاع حاکم و مدافعین جمهوری سرمایه داری اسلامی از همین است!

ما قاطعانه در محکومیت ترفند و توطئه جدید دادرسی شهرستان ساوه در مورد جعفر عظیم زاده و سایر کارگران زندانی و برای گسترش اعتراضات و جلب هر چه بیشتر حمایت جهانی، به مبارزه ادامه می دهیم و دستان هراسان آزادیخواه و رزمنده ای را در این مبارزه مشترک، صمیمانه به گرمی می فشاریم.

### سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی

#### زنده باد سوسیالیسم

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

۱۶ تیر ۱۳۹۵ - ۰۶ جولای ۲۰۱۶

## کارگر متشکل، همه چیز، کارگر متفرق، هیچ چیز!



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-  
خارج کشور  
Solidarity Committees with the  
Iranian Workers' Movement-  
abroad

AWNI



Alternative Workers News-Iran

a fortnightly Newspaper from:

«solidarity committees with iranian workers movment - abroad»

## بولتن انگلیسی نهادهای همبستگی را

به سازمانهای کارگری، اتحادیه ها، سندیکاها و تمامی  
نهادهای کارگری جهانی و نیز در محلهای کار بدست  
کارگران و فعالین کارگری برسانید!



## مصوبات

## نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران

## خارج کشور

الف: اشتراکات ما "

- 1- نهادهای همبستگی با کارگران ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهاد ها می باشد.
- 2- این نهادها در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد.
- 3- تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.
- 4- تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست.
- 5- تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظائف مشترک ماست.
- 6- جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

ب: " ارگان ها "

## یک: مجمع عمومی

- 1- مجمع عمومی عالی ترین ارگان برنامه ریزی و تصمیم گیری نهاد های همبستگی کارگری است. این مجمع عمومی هر 6 ماه یک بار تشکیل می یابد. نشست و یا مجمع عمومی حضوری سالی یکبار برگزار میگردد.
- 2- مجمع عمومی بررسی گزارش های هئیت هماهنگی و واحد ها، پیشنهادات، تغییر یا تکمیل مواد یا مبانی همکاری ها، برنامه ریزی آینده و انتخاب هئیت هماهنگی آینده را بعهدہ دارد.
- 3- مجمع عمومی با حضور دو سوم نهادها رسمیت می یابد. حضور تمامی اعضا نهادها در مجمع عمومی ضروری و آزاد است.
- 4- به پیشنهاد نصف بعلاوه یک نهادها و شرح ضرورت آن مجمع عمومی فوق العاده فراخوانده میشود.

5- بررسی و پذیرش تقاضای پیوستن نهادهای جدید براساس قبول موازین مشترک جمع و حداقل معرفی یک نهاد صورت می گیرد. این تقاضا از طریق کمیته هماهنگ کننده برای همه نهادها ارسال می شود که در صورت توافق نصف به علاوه یک نهادها در مدت یک ماه، آن نهاد به عضویت در می آید.

تبصره - در صورت ارائه سند از جانب نهادی در مورد عدم صلاحیت نهاد متقاضی عضویت، تصمیم گیری برعهده اولین مجمع عمومی می باشد.

6 - میهمانان در مجمع عمومی عبارتند از:

الف - رفقانی که هیئت هماهنگ کننده از فعالان کارگری داخل و خارج از کشور دعوت به عمل می آورند. شرکت این میهمانان در مجمع عمومی با تأیید دوسوم هیئت هماهنگ کننده صورت میگیرد.

ب - رفقانی که در رابطه با مناسبات همبستگی بین المللی و ارتباط با گرایشات چپ کارگری شهری از طریق رفقای تدارک دهنده مجمع عمومی دعوت می شوند. رفقای دعوت شده میتوانند در تمامی طول جلسات حضور نمایند. با بحث و تبادل نظرات و بعنوان مشاور و انتقال تجربه درمباحث شرکت نمایند و رای مشورتی دارند.

7 - همه اعضای حاضر در مجمع عمومی از حق رای مساوی برخوردار هستند.

8 - نهاد محلی به نهادی گفته می شود که حد اقل از سه عضو تشکیل شده و در پیوند با محیط استقرار خود (کشور یا شهر) فعالیتی مستمر برای جلب حمایت از جنبش کارگری در ایران داشته باشد.

## دو : هیئت هماهنگ کننده

1- مجمع عمومی برای هماهنگ کردن فعالیت ها و پیگیری مصوبات، برنامه ها و رابطه بین نهادها یک هیئت هماهنگ کننده سه نفره انتخاب میکند.

2- هیئت هماهنگ کننده هر 14 روز یکبار تشکیل جلسه داده و وظایف را بر حسب مورد بین خود یا اعضای دیگر تقسیم میکند. سایر اعضای نهادها نیز میتوانند بدون حق رای و تنها با حق مشارکت در این نشست ها شرکت کرده و در چهارچوب دستور جلسه تعیین شده توسط هیئت هماهنگ کننده و در محدوده زمانی که برای اظهار نظرات آنها معین می شود، نظرات مشورتی خود را ابراز کنند.

3- هیئت هماهنگ کننده مجاز نیست به اقدامات یا برنامه هائی خارج از مصوبات مجمع عمومی بپردازد. همچنین حق نقض و یا تغییر تصمیمات مجمع عمومی را ندارد. هر پیشنهاد یا برنامه جدید باید به اطلاع تمامی نهادها رسیده و با توافق نصف به علاوه یک آنها قابل اجرا خواهد بود.

4- هیئت هماهنگ کننده راسا مجری هیچ برنامه ای نیست بلکه میکوشد با درگیر کردن تمامی رفقا و تقسیم کار مناسب از طریق تشکیل گروه های کاری فعالیت های عملی را هماهنگ کند.

5- گزارشات مجامع عمومی، مصوبات، اطلاعیه ها و اخبار مربوط به مجموع نهادها تنها از طریق هیئت هماهنگ کننده انتشار بیرونی می یابد و از طریق ایمیل گروهی توزیع درونی می شود.

6- با توجه به نیاز و ضرورت، جلسات عمومی از اعضای نهادها برگزار میشود. در این جلسات که معادل مجمع عمومی نبوده و از اختیارات مجمع عمومی برخوردار نیستند، نهادها گزارش فعالیتهای خود را ارائه داده و نیز بحث، تبادل نظر و مشورت پیرامون پیشنهادات و فعالیتهای جاری صورت میگیرد. اداره این جلسات عمومی بعهد هیئت هماهنگ کننده بوده و گزارش این جلسات را تهیه و به نهادها ارسال میکند.

7- هر شش ماه یکبار در مجمع عمومی سه نهاد به طور دوره ای و چرخشی برای تشکیل هیئت هماهنگ کننده انتخاب میشوند. هر یک از این نهادها یک نفر را برای شرکت در هیئت هماهنگی معرفی میکند.

8- هیات هماهنگ کننده می باید بصورت کاملاً پیگیر خواهان ارسال گزارشات شش ماهه نهادها بشود و بعد از بررسی، آن گزارشاتی را که برای انتشار بیرونی مناسب هستند به مجمع عمومی ارائه دهد تا در مورد آنها تصمیم گیری شود.

9- بمنظور انتقال تجربه از هیات هماهنگ کننده قبلی به هیات جدید، ضروری است یک نفر از اعضای هیات پیشین، در جلسات هیات هماهنگ کننده جدید به مدت یکماه بعنوان مشاور حضور داشته باشد.

10- مسئولیت انتشار بیانیه و اطلاعیه ها با هیئت هماهنگ کننده بامکانیزم 48 ساعت گردش و نظرخواهی در درون نهادها میباشد.

تبصره یک: اطلاعیه و بیانیه ها بایستی حتی الامکان کوتاه و روشن در چهارچوب مصوبات و سیاست کلی نهادها و بدون وارد شدن به مباحث پلمیک و نظری باشند.

تبصره دو: اطلاعیه ها بصورت پیش نویس به هیئت هماهنگ کننده ارسال و از آنجا به همه نهادها و منفردین برای نظردهی فرستاده می شوند. اگر نهادی مخالفت یا ملاحظه ای در مورد بیانیه و اطلاعیه داشته باشد، بایستی مورد اصلاحیه اش را مشخص نماید و ارائه دهد. چنانچه نهادی با کلیت بیانیه و اطلاعیه مذکور مخالف باشد، می باید اطلاع دهد، تا نام و امضای آن نهاد در پانین بیانیه درج نشود و اگر نهادی در این رابطه جواب نداد، دلیل بر موافقت با بیانیه پیشنهادی است. زمان مورد نظر برای نظردهی درباره بیانیه و اطلاعیه ها 48 ساعت می باشد.

تبصره سه: در صورتی که نهادی با بیانیه یا اطلاعیه ای توافق نداشته باشد، اسامی سایر نهادها بدون ذکر نام نهاد مخالف، در زیر بیانیه و اطلاعیه آورده می شود. در صورت توافق اکثریت نهادها، ذکر نام تمامی نهادها ضرورتی ندارد.

### پ - ضوابط همکاری ها

1- هریک از نهادها متشکل از افرادی با گرایشات سیاسی گوناگون می باشند، لذا این مجموعه، جریانی چندگرایشی و مستقل از احزاب و سازمانهای سیاسی است و به هیچ وجه گرایشی مجاز نیست خود را بر این مجموعه تحمیل کرده و یا به نوعی این نهادها را زیر مجموعه خود محسوب نماید.

2- مناسبات بین نهادها بر اساس همکاری جمعی است، سمت و سو و تمرکز اصلی آنها بر شرکت در فعالیتهای و همکاری عملی است. در چنین روندی جهت انسجام و صیقل بخشیدن به مسائل فکری در زمینه های نظری، مباحث سیاسی - اجتماعی بر مبنای اهداف جنبش کارگری را در مسیر همکاریهای خویش قرار خواهیم داد ولی تصمیمات سیاسی - نظری گرفته نمیشود.

3 - نهادها در سطح محلی کاملاً مستقل بوده و میتوانند راساً و یا با شرکت هر نهاد مترقی دیگری فعالیتهائی داشته باشند. همچنین در صورت عدم توافق با یک برنامه جمعی پیشنهادی به هیچ وجه ملزم به تبعیت و اجرای آن نیستند.

4 - تصمیم گیریها بین نهادها بر اساس تفاهم، اعتماد متقابل، احترام، بحث و اقناع می باشد. در مواردی که نیاز به رای گیری باشد، توافق نصف به علاوه یک اعضای شرکت کننده در نشست ضروری است.

5 - نهادها داوطلبانه در فعالیتهای عملی مشترک شرکت میکنند، و در صورت شرکت، متعهد به انجام آن و سپس دادن گزارش کتبی فعالیت های خود به مجمع عمومی می باشند.

6 - هیچ نهادی حق ارائه بیرونی اسناد و گزارشات جلسات درونی نهادها و همچنین سمینارها و جلسات عمومی در سطوح مختلف، بدون توافق کلیه نهادها را ندارد.

7 - نهادها موظف به ارائه گزارش اقدامات شش ماهه خود میباشند. این گزارشات می باید یک ماه پیش از مجمع عمومی حضوری یا پالتاکی به هیئت هماهنگ کننده ارسال شوند تا برای اطلاع در اختیار نهادها گذاشته شود.

8 - نهادهای همبستگی باجنبش کارگری، بنا به تعریف، جمع نهادهاست و ترجیح و تشویق آن برای ایجاد نهادهای متشکل درکشورها و شهرهای مختلف و پرهیز از انفرادی و تک یاختگی است. با این حال خود را از توان و تجربه فعالین کارگری در خارج از کشور که به هر دلیل بصورت نهاد محلی عمل نمیکنند بی نیاز نمی داند و آنان را به همکاری دعوت می کند.

واحد های محلی نهادها ی همبستگی در سطح کشورها برای امکان همکاری و هماهنگی میان نهادها ایجاد شده اند تا یک جمع بزرگتر و فراگیرتر از تک نهادها ایجاد شود، یعنی روش کار نهادها نباید در جهت تانید انفرادگرائی و میدان دادن به آن باشد. همکاری منفردین باجمع نهادها بر قبول این اصل بنیادی و بدیهی استوار است که نهادها شالوده این جمع و همکاری را تشکیل میدهند و موازین و شرایط کار و همکاری با منفردین در هیچ موردی نباید اساس موجودیت نهادی را تحت الشعاع قرار دهد.

9 - هر متقاضی عضویت انفرادی را می باید حد اقل یکی از اعضای نهادها معرفی کند.

10- عضو منفرد می بایست بصورت فعال در یکی از فعالیتهای عمومی نهادها از جمله کمیسیونها شرکت داشته باشد. عضومنفرد در صورت غیرفعال بودن در فعالیتهای عمومی نهادها، تنها برخوردار از حق رأی مشورتی است. توصیه می شود بمنظور اهمیت فعالیت دسته جمعی ونهادی و پیشبرد بهترین نوع فعالیتهای آنها، از هر نهاد حداقل یک رفیق در یکی از فعالیتهای عمومی شرکت فعال داشته باشد.

11 - عضومنفرد نمی تواند به عضویت هیئت هماهنگ کننده نهادها انتخاب شود اما میتواند مسئولیت کمیسیون های و گروههای کاری را برعهده گیرد.

12 - مناسبات در درون نهادها می باید بر شفافیت و صداقت و صراحت استوار باشد. هنرها و عضونهاد و هر عضومنفرد حق دارد در رابطه با مباحث و تدارکات تصمیمات و یا اختلافات موجود، به طرح آزادانه نظرات خود و جلب نظر دیگران بپردازد اما این کار باید با انتشار علنی متن مربوطه در جمع نهادها و دعوت عمومی به امضای موافقین آن باشد.

13 - کسانی که از نهادها اخراج و یا به هر دلیلی جدا می شوند، برای پذیرش دوباره در نهادها پروسه عضویت منفردین مستقل را طی می نمایند.

14 - هر عضو و هر نهادی که در هر نشست امپریالیستی و آلترناتیوسازی بورژوازی که در چهارچوب تائید نهادها قرار ندارد، شرکت کند، بایستی پاسخگو در برابر نهادها باشد.

چنانچه رفیق یا نهاد شرکت کننده در چنین جلساتی، با آگاهی از ماهیت نشست در آن شرکت کرده و از این عمل خود دفاع نماید، بلافاصله عضویت فرد یا نهاد مربوطه از طرف هیئت هماهنگ کننده تا مجمع پیش رویه تعلیق درمی آید و تصمیم قطعی در مجمع عمومی گرفته خواهد شد.

اولین مجمع عمومی پس از تعلیق، وضعیت قطعی رفیق یا نهاد مربوطه را تعیین خواهد کرد و صورت مسئله برپایه گزارش هیئت هماهنگ کننده در سطح جنبش انتشار داده می شود.

در صورت برگزاری چنین جلسه ای، فرد یا نهادی که تمایل به شرکت در آن را دارد، چنانچه به صورت نهاد همبستگی شرکت میکند، می بایست به هیئت هماهنگ کننده اطلاع دهند تا آن اجلاس و یا نحوه شرکت در آن، مورد توافق مجمع عمومی نهادها قرار گیرد.

چنانچه در شرایط ایجاد شده کوچکترین ناروشتی وجود داشته باشد، هیئت هماهنگ کننده موظف است پیش از هر عمل یا تصمیم گیری، فراخوانی جهت برگزاری مجمع عمومی فوق العاده بدهد تا مسئله در آن مجمع، مورد بررسی قرار گیرد.

15 - نهادها حتماً باید در پنج مقطع زمانی معین، واکنش مقتضی را در قالب بیانیه و اطلاعیه و یا در دستور گذاشتن یک کمپین، نشان دهند. اینها عبارتند از: اول ماه مه، سالگرد کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت، سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد، هشت مارس، کمپین برای آزادی کارگران زندانی.



# برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی  
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.  
رژیم سرمایه داری  
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،  
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.  
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و  
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و  
شروط و وثیقه های سنگینی  
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.  
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر  
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.  
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.  
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.  
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.  
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور  
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به  
هر شکل و با هر توانی که دارند  
کمپینهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی  
نموده و شرکت نمایند،  
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان  
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپنهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!  
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران  
را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

## همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،  
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،  
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...  
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی  
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در شکل های طبقاتی  
و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود  
اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت  
آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران  
بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی  
سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشان نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

## زندانیهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلهای، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

**تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.**

## برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هوادارن و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، کارزارها، اکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

## اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

پیام هشتمین مجمع عمومی نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

## به کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

رژیم جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با بحران فراگیر اقتصادی و سیاسی که دامگیرشان شده است، محور عمده حملات خود را بر علیه کارگران و دیگر فعالین عرصه های سیاسی و اجتماعی بکار گرفته است تا جامعه را به سکوت و تمکین بکشاند. اما مبارزات خستگی ناپذیر شما چه در زندانها و چه در عرصه های اجتماعی در دفاع از خواست ها و مطالبات بر حقتان، نقشه ی شوم رژیم را بر آب کرده است.

شما به درستی دریافته اید که راه پیروزی با مقاومت و مبارزه ی متشکل میسر است و برای این مهم هزینه های سنگینی را تحمل می کنید. تلاش های مداوم شما برای کسب حقوق پایمال شده تان، قابل ستایش و شورانگیز است.

مبارزات پیگیرانه ی شما و خانواده هایتان، آمیزه ی امیدبخشی را به جامعه نوید می دهد و خواب آرام را از چشم حکومتگران مدافع سرمایه و استثمار ربوده است.

رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزات و اعتراضات شما، بخشی از فعالین کارگری و اجتماعی را به بند کشیده و به زندان های قرون وسطایی محکوم نموده است. تا امید هرگونه زندگی انسانی را در نطفه بخشکاند.

از این منظر و بحق، شعار کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، در داخل و خارج از ایران، در رأس فریادها و خواست های انسان های آزادی خواه قرار گرفته است و جلوه ی برحق ادامه ی مبارزات شما می باشد.

ما شرکت کنندگان در هشتمین مجمع عمومی حضوری نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، به شما کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در بند درود می فرستیم و همگام با شما آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی را خواهانیم.

**کارگر زندانی آزاد باید گردد!**

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**

7 تیرماه 1396 - 28 ژوئن 2015 - هانوفر

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

پیام هشتمین مجمع عمومی

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

# به مادران جانفشانان و خانواده های زندانیان سیاسی

سلام و درود به مادران آزادی!

با کدامین واژه و با چه کلامی می توان از رنج بیکرانتان در این سالهای سیاه سخن گفت که اندوه اندوه جانتان ، خطی ماندگار بر پیشانی روزگار بنشانند؟

وجدان های بیدار می دانند در این سالهای شوم ، چه شقایق های (\*) بی شماری را به گلزار جانفشانان تقدیم کردید و یا بسیاری از آنان ، چه سرافرازانه در اسارت دشمنان آزادی و آزادگی بسر می برند و قهرمانانه ، زندان را به میدان استمرار مبارزه ی حق طلبانه ، تبدیل کرده اند و شما با سرینلدی با همه رنج و شکنج تان همواره به عزیزان خود افتخار کرده و با شهامت راه آنان را ادامه داده اید راهی که روشن و دلپذیر است

مقاومت و پایداری شما در مقابل هرگونه تهدید ، فشار و تعقیب برای تداوم دادخواهی های حق طلبانه تان ، سران رژیم را به هراس انداخت و ناگزیر ، بی شرمانه به دستگیری وزندانی کردن حتی تعدادی از شما عزیزان مبادرت نموده اما شما ایستادید و گسترده تر به مبارزات خود ادامه دادید . خبر رسانی و افشاگری ها و شکایات به مراجع بین المللی و ابتکارات مبارزه جویانه شما نقش زیادی در افشای کشتارها و سرکوب رژیم سفاک جمهوری اسلامی داشته است و بی شک سهم موثری در پیشبرد مجموعه مبارزات طبقات و اقشار اجتماعی ، در سرنگونی رژیم جنایت کار سرمایه داری حاکم و کسب آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی خواهد داشت.

هشتمین مجمع عمومی نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور

(\*)

اشاره به این گفتار شگفت و ماندگار دایه سلطنه مادر فداکار زنده یاد فرزند کمانگر است : " من خیالم از این راحت که یک گل شقایق دیگه به این سرزمین هدیه شد ، که این گل از خونه من رفته این بار".

## **Join the protest campaign, against the Islamic Republic regime of Iran, in the annual gathering of ILO in Geneva, Switzerland !**

June 3, 2016

A delegation are sent to Geneva by the Islamic Republic of Iran to participate in the 2016 conference organized by the International Labour Organization (ILO), while in Iran working class and other working people do not have basic human rights and are not able to organize their own independent organizations and labour groups. They cannot take part in strikes and protests. Many labour activists are in prison or under the pressure of prosecution and arrest.

In the process of adjusting with and joining the world capitalist order and consequently getting membership in ILO, there are some preconditions including respect for the “tripartite” rule of cooperation between employer, state and worker that is recognized by ILO. This trend of appeasing Iran by the West, begun a few years ago, in order to open the economic doors wider for the corporations’ access to cheap labour.

In Iran, struggles for basic labour rights are labelled as a crime. There is no right to strike or form an independent labour organization. While the real representatives of workers are laid off or put in jail, the regime-made labour groups and institutions are introduced as “representatives of workers”. In fact, the idea of “tripartite” in the Islamic Republic only means having representatives of the capitalists sitting on all three sides of the decision-making table.

The global capitalist system has launched an intensive offensive in areas of labour and wealth exploitation around the world. This policy has resulted vast unemployment, poverty, decrease in the level of people’s standard of living, removal of social welfare, increase in prostitution, addiction and many other social problems. Destructive impacts of privatizations on people’s lives have resulted in anti-capitalist protests and revolts among the masses. Capitalists want workers to believe that both classes have “common interests,” and they are better off negotiating peacefully and calmly, together.

Capitalists want workers to believe that the best solution to their disputes is to accept the laws that the exploiters have assigned for the purpose of creating “compromise between capital and labour”. Thus, workers should tolerate ruinous globalized economic plans of privatizations and deregulations. Unfortunately, due to the absence of a powerful and organized labour block, such ideas have opportunities to be propagated among the Iranian labour movement.

This year again, some individuals under the name of “workers of Iran” have been selected to participate in the ILO conference. But they do not represent the Iranian workers. The real labour representatives are those who fight for worker’ rights and many of them are arrested, imprisoned or are undergoing prosecution. We condemn acceptance of agents of the Islamic Republic by ILO, as representatives of Iranian workers. Unfortunately, worldwide, a large section of labour organizations, unions and syndicates have a compromising nature.

Only by relying on their own force and organizing themselves independently of states and capitalists, can workers best resist onslaughts by security apparatuses. Only independent struggles by workers result in achieving basic labour and democratic rights. History shows that without strikes, protests and persistent struggles, workers cannot resist employers and governments.

Solidarity Committees with Iranian Workers Movement-Abroad and Alliance of Iranian Leftist Entities in North America ask everyone together and protest in Geneva, against the presence of agents of the Islamic Republic who are not the real representatives of Iranian workers. We also ask of all advocates of labour rights to contact the progressive labour activists and organizations to expose anti-labour policies of the Islamic Republic of Iran and policies of Imperialist powers. Let’s all demand freedom for imprisoned workers and all political prisoners

**Down with the Capitalist Islamic Republic of Iran!**

**Long live socialism!**

**Solidarity Committees with Iranian Workers Movement**

nhkommittehamahangi@gmail.com

**Alliance of Iranian Leftist Entities in North America**

iranianleftinnorthamerica@gmail.com



# **Demonstration Outside ILO Conference in Geneva**

*(In front of the Palais des Nations-Geneva)*

**Against the Islamic Republic of Iran and its agents who  
are attending the International Labour Conference as  
"Workers' Delegates"?**

**Free All Jailed Worker Activists Now!**

**Monday, June 6, 2016 11:00 am to 3:00 pm**

*Under the Islamic Republic of Iran the situation of workers and the majority of people in Iran have been worsening significantly. Thousands of Political prisoners have been executed, tens of thousands labour, political and social activists have been prosecuted, tortured and endured lengthy prison sentences, and many have lost their jobs and livelihood. There is absolutely no freedom of expression in the country unless you belong to one of the factions of the Islamic regime. Job security has completely diminished, and for more than 90 percent of the workforce precarious contracts and temporary jobs have become the bitter reality. Poverty level has expanded and includes many sections of the working class including teachers and other public employees. None payment of wage, ever-growing child labour, political repression, arrests, and systematic imprisoning of labour activists who struggle for the most basic and internationally recognized rights of the workers, suppression of women's rights and severe discrimination against migrant workers particular Afghan immigrants continue incessantly in Iran.*

*Within such context, we are witnessing that each year representatives of the capitalist Islamic regime of Iran attend the International Labour Conference as "worker representatives". This is while real worker' representatives are in jails or continually harassed and prosecuted. The right to organize and strike is denied by the regime and all independent worker organizations are tyrannized.*

*We are calling on all workers' and progressive organizations internationally to protest against the continued violation of workers' rights in Iran, and to pressure ILO to break its inaction and collaboration with these government-sponsored agencies and take all necessary measures in support of the rights and demands of the Iranian labour movement and the genuine workers' organizations in Iran.*

We demand:

- *Unconditional freedom of all incarcerated workers; including Jafar Azimzadeh, Behnam Ebrahimzadeh and Mohammad Jarahi.*
- *The immediate withdrawal of all charges against labour activists in Iran including security charges against well-known labour activists and teachers such as Mahmoud Salehi, Reza Shahabi, Davood Razavi, Ebrahim Madadi, Esmail Abdi, Mahmoud Beheshti Langroodi and other arrested and prosecuted workers.*
- *An international investigation by the international workers' organizations in order to investigate the killing of the renowned labour activist, Shahrokh Zamani, in Gohardasht prison on September 13, 2015 and to examine the workers' situation in Iran without any restrictions by the Iranian regime.*
- *Expulsion from International Labour Organization of the so called "worker representatives" sent by the Regime of the Islamic Republic of Iran in the name of workers, i.e. "High Center for Islamic Labour Councils" and "Workers House", "High Assembly of the Workers' Representatives" and "High Centre of Workers' Guild Societies". Only the genuine workers' representatives' must be invited to the ILO conferences and other international labour gatherings.*
- *The rights of the immigrant workers are to be recognized in Iran and the mistreatment, and abuse of Afghan workers residing in Iran must be stopped.*
- *Recognition of all of the internationally recognized workers rights including the right to organize, strike, freedom of expression and independent celebration of the International Workers' Day.*
- *Recognition of equal right for women and an end to all forms of discrimination and social, economic and political inequality in workplaces and the society at large against women.*
- *Application of all international conventions on forbidding child labour; and condemning the Islamic Republic of Iran for the violation of all international conventions including conventions on child protection, women's rights, and the right to organize.*

**International Alliance in Support of Workers in Iran (IASWI)**

[info@workers-iran.org](mailto:info@workers-iran.org)

**Solidarity Committees with Iranian Workers' Movement-Abroad**

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)